

رجوع از ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)

فخرالدین اصغری آقمشهدی*

حسین کاویار**

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2016.23531

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۹

چکیده

مفهوم و ماهیت ایجاب، علی‌رغم سادگی ظاهری‌اش، حاوی مباحث عمیقی است که قانون مدنی ایران به آن پرداخته است. ایجاب، نخستین اراده انشایی قرارداد است و ممکن است قبل از قبول، مانند هر وجود اعتباری دیگری زوال یابد. رجوع موجب از مهم‌ترین اسباب زوال ایجاب است که به اراده یک‌جانبه موجب واقع می‌شود. در این مقاله به بررسی رجوع از ایجاب در مهم‌ترین سند تجارت بین‌الملل یعنی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پرداخته می‌شود. کنوانسیون، یکی از مهم‌ترین اسناد تجاری است که آیین تمام‌نمای اندیشه‌های متفکرین دو سوی حوزه آتلانتیک شمالی (رومی ژرمنی - کامن‌لا) است.

آیا موجب پیش از قبول، التزامی به نگهداشتن آن دارد یا در رجوع از آن آزاد است؟ آیا ایجاب نافذ (یعنی ایجابی که به مخاطب واصل شده است)، قابل رجوع فرض می‌شود؟ در گام بعدی، چه محدودیت‌هایی باید بر حق رجوع موجب تحمیل کرد؟ آیا در رجوع از ایجاب، اطلاع مخاطب شرط است؟ آیا رجوع از ایجاب عام امکان‌پذیر است؟

واژگان کلیدی

ایجاب، استرداد، رجوع، تعهد به عدم رجوع، اتکای مخاطب

مقدمه

رجوع برای بازگرداندن آثار چند عمل حقوقی محدود مانند عقد، ایقاع و ایجاب به کار می‌رود.

f.asghari@umz.ac.ir

* نویسنده مسئول، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

h.kaviar@umz.ac.ir

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه

معنای رجوع، بازگشت به وضع سابق است و انحلال عقد در آن، جنبه مقدماتی دارد. به همین دلیل، رجوع در صورتی امکان دارد که عین آنچه از دست رفته، موجود باشد.^۱ رجوع از ایقاعات، و عمل حقوقی یک‌جانبه است و قائم به تراضی نیست.^۲

پروفسور هرمن / اولیفانت^۳ در تعریف رجوع از ایجاب چنین می‌گوید: رجوع^۴ یا استرداد^۵ ایجاب به‌طور معمول برای بیان انگاره (نیت) برگشت و واژگونی مقصود و منظور مفاد ایجاب گوینده ایجابی است که اراده‌اش به مخاطب اطلاع داده شده است. این اندیشه در برخی از دعاوی، منسوخ و مطرود شده است که تغییر قصد اطلاع‌داده‌نشده برای زوال قدرت انشایی قبول مخاطب کافی است. این فرضیه متکی بر این ایده است که مسئولیت انشایی موجب، طبق اراده واقعی‌اش^۶ تشخیص داده می‌شود نه بر اساس اظهار قصد ظاهری.^۷ این ایده اکنون پابرجا و برقرار است که عنصر ابلاغ و اطلاع،^۸ عنصری کارگر و مؤثر در تعریف زوال ایجاب است. تغییر اراده و نیت (قصد) علی‌رغم ضرورتش، اهمیت ناچیزی دارد. از این رو بهتر است تا عدول از ایجاب این‌گونه تعریف شود: «اطلاع از تغییرات حادث در قصد موجب». انقضای ایجاب،^۹ به‌طور عادی و خیلی معمول برای تمییز شرایطی که ایجاب به‌واسطه رجوع موجب زایل می‌شود و شرایطی که به‌واسطه رد مخاطب زایل می‌شود به‌کار می‌رود. همان طور که نفس خلاق می‌تواند آثار حقوقی به وجود آورد می‌تواند اثر حقوقی موجود را معدوم کند. مثلاً ابراء‌کننده به‌وسیله قصد انشاء خود، اثر حقوقی موجود (یعنی دین) را از اعتبار می‌اندازد. اگر ایجاب‌کننده، حق عدول از ایجاب را داشته باشد می‌تواند اثر حقوقی ایجاب را معدوم کند و مانع تحقق عقد شود.^{۱۰}

اصطلاح رجوع از ایجاب (بالمعنی الاعم) در سه مقطع زمانی قابل تصور است:

۱. پیش از وصول به مخاطب؛

۲. پس از وصول به مخاطب و پیش از قبول؛ و

۳. پس از قبول.

۱. کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، چاپ پنجم (ویرایش جدید)، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، صص ۵۳-۵۲.

۲. ن.ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ الفاروق: دایره‌المعارف عمومی حقوق، جلد ۳، چاپ دوم، گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۳۲.

3. Oliphant, Herman, The Duration and Termination of an Offer, *Michigan Law Review*, vol. 18, No. 3, 1920, pp. 201-202.

4. Revocation

5. Withdrawal

6. Actual state of mind

7. Mind apparent

8. Communication

9. Lapse of an offer

۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ دوم، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۵۴؛ همو؛ مبسوط در

ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۹۱، ص ۲۵۱۳.

رجوع در حالت سوم، یعنی پس از قبول، فقط از طریق فسخ بالخیار یا اقاله امکان دارد.^{۱۱} فی‌الواقع با توجه به مفهوم مخالف ماده (۱) ۱۶ کنوانسیون بعد از انعقاد عقد، رجوع از ایجاب ممکن نیست. لذا حالت سوم، خروج موضوعی از بحث حاضر دارد. آنچه محل بحث در این مقاله است رجوع در حالت اول و دوم است. تفاوت ظریفی بین رجوع در حالت اول و حالت دوم وجود دارد که ابتدا به آن پرداخته می‌شود:

۱. تمایز استرداد و رجوع

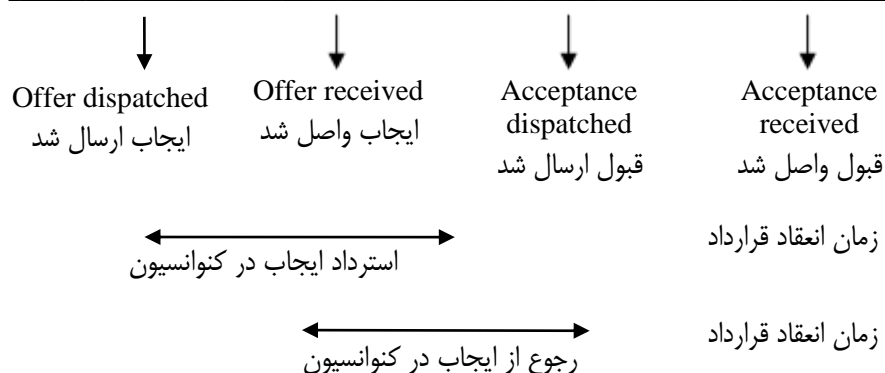
برای اینکه مخاطب ایجاب بتواند قبولی خود را اعلام کند، ایجاب نباید زایل شود. در کنوانسیون، تفاوتی ظریف بین دو اصطلاح *withdrawal* و *revocation* ترسیم شده است. اصطلاح *withdrawal* زمانی به کار می‌رود که موجب قبل از (یا هم‌زمان با) وصول ایجاب به مخاطب، از ایجابش منصرف می‌شود و اصطلاح *revocation* مختص زمانی است که موجب بعد از وصول ایجاب به مخاطب، رجوع و ایجابش را مختومه اعلام می‌کند.^{۱۲} جیولا /تورسی^{۱۳} در کتاب تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی می‌گوید: «کلید تمایز این دو واژه در تفاوت دوره‌هایی است که قرارداد در آن منعقد می‌شود. در دوره اول، یک ایجاب داده می‌شود و هنگامی که به مخاطب می‌رسد نافذ می‌شود. تا این زمان واژه استرداد *withdrawal* به کار برده می‌شود تا نشان دهد که موجب می‌خواهد خود را از تعهد حاصله از پیشنهاد خلاص کند. دومین دوره انعقاد قرارداد از موقع رسیدن پیشنهاد تا موقعی است که با قبول به اتمام می‌رسد. در این دوره پیشنهاد نافذ می‌شود و لذا چنانچه موجب بخواهد از پیشنهاد خود برگردد از کلمه رجوع *revocation* استفاده شده است. بنابراین این دو اصطلاح را باید به صورت متمایز نگه داشت زیرا ثمرات قانونی آن‌ها متفاوت است.»^{۱۴} کنوانسیون نیز بین این دو اصطلاح، قائل به تمییز شده است. در ماده ۱۵ به موضوع استرداد از ایجاب و در ماده ۱۶ به موضوع رجوع از ایجاب، پرداخته شده است. شکل زیر، تصویری از مفاهیم «استرداد» و «رجوع» از ایجاب را در مراحل مختلف شکل‌گیری قرارداد نشان می‌دهد:

۱۱. ن.ک: کاتوزیان؛ همان، ص ۱۴؛ فخرالدین اصغری آقمشهدی؛ اسباب سقوط تعهدات، انتشارات دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۹۲، ص ۷۱ به بعد.

۱۲. Schlechtriem, P., *Uniform Sales Law - The UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Vienna: Manz Pub, 1st Edition, 1986, p. 52.

۱۳. Gyula Eörsi

۱۴. بیانکا. سی. ام، بونل، ام. جی؛ تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، جلد ۱، ترجمه: مه‌راب داراب‌پور، چاپ دوم، گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵؛ ابراهیم شعاریان و ابراهیم ترابی؛ حقوق تعهدات: مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹.



کنوانسیون، محدودیت‌های کمی برای حق «انصراف» از ایجاب^{۱۵} در بند ۲ ماده ۱۵ وضع کرده است؛ اگرچه حق «رجوع» از ایجاب^{۱۶} به چند طریق در ماده ۱۶ در قالب یک اصل و چند استثنا بیان شده است.

۲. زمان نفوذ ایجاب (بند ۱ ماده ۱۵)

در بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون مقرر شده است که ایجاب هنگامی نافذ می‌شود که به مخاطب واصل شود. برای تعریف «وصول» باید به ماده ۲۴ مراجعه کرد. وصول در کنوانسیون در ماده ۲۴ چنین تعریف شده است: «اعلام قبول یا سایر انواع بیان اراده، هنگامی به مخاطب واصل می‌شود که شفافاً به اطلاع وی رسانده شود یا به طریق دیگر به شخص او، به محل تجارت او یا به نشانی پستی‌اش و چنانچه محل تجارت یا نشانی پستی نداشته باشد به محل اقامت عادی او تحویل شود».^{۱۷} تعیین زمان نفوذ ایجاب از آن حیث واجد اهمیت است که از این طریق، لحظه دقیقی که از آن به بعد، مخاطب ایجاب می‌تواند ایجاب را بپذیرد مشخص و بدین ترتیب، موجب

15. Right to withdraw the offer

16. Right to revoke the offer

۱۷. ن.ک: دعاوی زیر:

CLOUT Case No. 430 [Oberlandesgericht München, Germany, 3 December 1999], see also Unilex (citing articles 14, 15(1), 18 and 23); CLOUT case No. 308 [Federal Court of Australia, 28 April 1995], excerpt available on the Internet at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/950428a2.html> (citing articles 8, 11, 15 (1), 18 (1) and 29 (1) when holding that parties had concluded contract with a retention of title clause). The following decisions cite article 15 in general, but because they do not involve withdrawal of an offer the issue addressed in article 15(2) the citations effectively refer to paragraph (1) of article 15: CLOUT case No. 318 [Oberlandesgericht Celle, Germany, 2 September 1998] (citing articles 14, 15 and 18 when finding that parties had concluded a contract); Landgericht Oldenburg, Germany, 28 February 1996, Unilex (citing articles 14, 15, 16, 17, 18 and 19); CLOUT case No. 291 [Oberlandesgericht Frankfurt a.M., Germany, 23 May 1995] (citing articles 14, 15, 18 (3), 19 (1) and (3)) (see full text of the decision); Landgericht Krefeld, Germany, 24 November 1992, English translation available on the Internet at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/921124g1.html> (citing articles 15 and 18).

به‌طور قطعی در برابر قرارداد پیشنهادی ملتزم می‌شود. دلیل دیگر برای تعیین لحظه نفوذ ایجاب این است که تا آن زمان، موجب آزاد است که از نظرش بازگردد و تصمیم بگیرد که اصلاً قرارداد را منعقد نکند یا ایجاب اولیه را با ایجاب جدیدی جایگزین سازد، صرف‌نظر از اینکه قصد وی این بوده که ایجاب قابل‌رجوع باشد یا خیر.

ایجاب نمی‌تواند قبل از نافذشدن (یعنی قبل از وصول به مخاطب) قبول شود، هرچند مخاطب به مفاد ایجاب، مطلع و مشرف باشد.^{۱۸}

بند ۱ ماده ۳-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (۲۰۱۰) نیز مشابه بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد که: «ایجاب وقتی نافذ می‌شود که مخاطب ایجاب آن را وصول کند».^{۱۹} درباره اصل «وصول»، مهم است که به‌دقت تعیین شود که ابلاغ مورد نظر، چه موقع به طرف خطاب واصل می‌شود. در ماده ۲۴ کنوانسیون، تمایزی بین ابلاغ‌های شفاهی و غیرشفاهی در نظر گرفته شده است. همین تمایز در بند ۳ ماده ۱۰-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (۲۰۱۰) به همین شیوه بیان شده است: «یک اخطاریه هنگامی توسط شخصی وصول می‌شود که به‌طور شفاهی به اطلاع آن شخص رسانده شود یا به محل تجاری یا نشانی پستی آن شخص تحویل شود». ابلاغ شفاهی در صورتی به طرف خطاب واصل می‌شود که شخصاً خطاب به او انجام شده باشد یا خطاب به شخص دیگری باشد که از سوی او برای دریافت آن مجاز باشد. ابلاغ غیرشفاهی به‌محض تسلیم به طرف خطاب، شخصاً یا به محل تجاری یا نشانی پستی (یا الکترونیکی) وی واصل می‌شود. لازم نیست که این ابلاغ، به دست طرف خطاب برسد یا او آن را مطالعه کرده باشد. کافی است که به کارمند طرف خطاب که مجاز به قبول آن است تحویل یا در صندوق پستی طرف خطاب انداخته شود یا با دورنگار، تلکس، یا درمورد مکاتبات الکترونیکی، هنگامی که امکان بازکردن آن از سوی طرف خطاب در نشانی الکترونیکی تعیین شده، از سوی او وجود داشته باشد.^{۲۰}

درمورد مکاتبات الکترونیکی وفق بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (۲۰۰۵): «زمان وصول ارتباط الکترونیکی هنگامی است که ارتباط الکترونیکی، توسط مخاطب در نشانی الکترونیکی که او طراحی کرده، قابل دسترسی است. زمان وصول ارتباط الکترونیکی در دیگر نشانی الکترونیکی مخاطب، هنگامی است که توسط او در آن نشانی قابل دسترسی است و مخاطب آگاه می‌شود که ارتباط الکترونیکی به نشانی او ارسال شده است. چنین فرض می‌شود که ارتباط الکترونیکی، هنگامی

18. Schlechtriem, P., *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, (Translated by: Geoffrey Thomas), Oxford: Clarendon Press, 1st Edition, 1998, p. 115.

۱۹. ن.ک: بهروز اخلاقی و فرهاد امام؛ *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، چاپ سوم (بر اساس ویرایش ۲۰۱۰)، شهر دانش، ۱۳۹۳، صص ۴۸-۴۹.

۲۰. ن.ک: اخلاقی و امام؛ همان، ص ۳۹.

که به نشانی الکترونیکی مخاطب می‌رسد در دسترس اوست».

البته این موضوع مهم همچنان مطرح است که آیا بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۰، ابلاغ الکترونیکی، از قسم ابلاغ‌ها و ارتباطات فوری به حساب می‌آید که باید به‌طور شفاهی به طرف گفته شود یا غیرفوری است که باید به محل تجاری یا سکونت ایشان تحویل شود. در سال ۲۰۰۳ شورای مشورتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در خصوص تعریف اصطلاح reaches مندرج در ماده ۲۴ کنوانسیون چنین اظهار نظر کرد: «اصطلاح reaches در ارتباط با زمان، مربوط به جایی است که ارتباط الکترونیکی وارد سرور مخاطب شده است، مشروط به اینکه مخاطب به‌نحو صریح یا ضمنی به دریافت ارتباط الکترونیکی از آن نوع، در آن فرمت و در آن نشانی راضی باشد. اصطلاح orally مشتمل است بر مخابره صدا و دیگر ارتباطات به‌نحو الکترونیکی، به‌نحو آنی و بی‌درنگ، مشروط بر اینکه مخاطب به‌نحو صریح یا ضمنی به دریافت ارتباط الکترونیکی از آن نوع، در آن فرمت و در آن نشانی راضی باشد».^{۲۱} شورای مذکور، ذیل بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون در راستای اهداف این مقرره، «اصطلاح reaches را زمانی فرض می‌کند که ارتباط الکترونیکی وارد سرور مخاطب شود».^{۲۲}

۳. استرداد ایجاب (بند ۲ ماده ۱۵)

در روز اول ژوئن، فروشنده نامه‌ای به‌منظور فروش کالاهایی معین و با قیمتی اعلام‌شده برای خریدار ارسال کرد. ایجاب، همچنین بیان می‌کرد که تا تاریخ ۱ ژوئن، لازم و غیرقابل رجوع است. تحویل نامه فروشنده به خریدار، یک هفته به طول انجامید. در روز ششم ماه ژوئن، قبل از اینکه خریدار، نامه روز یکم ژوئن را دریافت کند، فروشنده با خریدار تماس گرفت و بیان کرد که به دلیل عدم توجه شما به نامه‌ای که در یک ژوئن برای شما فرستادم، تصمیم گرفتم که از ایجاب در نامه انصراف دهم. زمانی که نامه فروشنده به دست خریدار رسید وی بیان کرد که ایجاب را قبول کرده است. در ماده ۱۵ به این پرسش پاسخ داده شده است که آیا طرفین در مثال بالا طبق قرارداد متعهد می‌شوند یا خیر:

۱. ایجاب، هنگامی که به مخاطب ایجاب واصل شد، نافذ می‌شود.

۲. ایجاب حتی در صورتی که غیرقابل رجوع باشد، قابل انصراف است، مشروط بر اینکه انصراف، قبل یا هم‌زمان با ایجاب به مخاطب واصل شود».

21. CISG-Advisory Council Opinion No. 1, Electronic Communications Under CISG (Aug. 15, 2003), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/CISG-AC-op1.html>.

22. CISG-Advisory Council Opinion No. 1, Electronic Communications under CISG (Aug. 15, 2003); See, Martin, C. H., The Electronic Contracts Convention, the CISG, and New Sources of E-Commerce Law, *Tulane Journal of International & Comparative Law*, vol. 16, No. 2, 2008, p. 483.

در مثال بالا از *هانولد*، در روز ششم ژوئن، ایجاب هنوز به دست مخاطب ایجاب نرسیده بود و در نتیجه هنوز نافذ نیست. این بیانیه که نمی‌توان تا روز اول ماه ژوئن به ایجاب استناد کرد هنگامی تعهدآور می‌شود که به دست مخاطب ایجاب رسیده باشد. ولی این ایجاب به این دلیل که انصراف، قبل از ایجاب به دست مخاطب ایجاب رسیده است، هیچ‌گاه نافذ نخواهد بود. مبنایی که از ماده ۱۵ حمایت می‌کند این است که اجرای قرارداد برای حمایت از انتظارات و توقعات طرفین قرارداد، طراحی و تنسيق شده است که هیچ‌یک از آن‌ها در این مورد، قبل از اینکه موجب از ایجاب انصراف دهد، به‌وجود نمی‌آید. ماده (۲) ۱۸ نیز یک قاعده موازی با ماده (۲) ۱۵ وضع کرده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «قبول ایجاب از لحظه وصول اعلام رضا به موجب، نافذ می‌شود. هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که موجب تعیین کرده یا در صورت عدم تعیین مدت، ظرف یک مدت متعارف به وی واصل نشود، قبول نافذ نخواهد بود».^{۲۳}

به‌عنوان قاعده کلی، ایجاب در هر زمانی قبل از قبولی قابل استرداد است.^{۲۴} استرداد ایجاب، صرفاً با انجام عمل مغایر با ایجاب نیست (مثل فروش موضوع معامله).^{۲۵} آگهی و علم به استرداد ایجاب باید واقعاً به مخاطب ایجاب واصل شود. بنابراین صرف پست کردن نامه استرداد کافی نیست. سال ۱۸۸۰ در قضیه *Byrne & Co v. Leon van Tienhoven*^{۲۶} ایجاب فروش اوراق آهن در تاریخ ۱ اکتبر در کاردیف پست شد و مورخ ۱۱ اکتبر در نیویورک به مخاطب واصل شد. مخاطبین بلافاصله ایجاب واصل شده را با ارسال تلگرام در تاریخ ۱۵ اکتبر قبول کردند. در این اثنا، موجبین در تاریخ ۸ اکتبر از ایجابشان منصرف شده بودند اما تا تاریخ ۲۰ اکتبر، نامه انصراف از ایجابشان به مخاطبین واصل نشده بود. دادگاه مقرر داشت که قرارداد منعقد شده است زیرا نامه انصراف، هم‌زمان با قبول ایجاب واصل نشده بود. بنابراین قرارداد معتبر منعقد شده بود علی‌رغم اینکه طرفین اذعان داشتند در توافق و تراضی با یکدیگر نیستند.^{۲۷} از قضیه *بایرن علیه وان تین هوون* این قاعده استنتاج می‌شود که ایجاب می‌تواند به‌وسیله موجب در هر زمانی پیش از قبول، استرداد شود ولی به‌هر حال استرداد ایجاب، تنها در صورتی مؤثر و کارگر است که به مخاطب ایجاب، واصل شود.

باید به دو نکته ذیل بند ۲ ماده ۱۵ توجه شود:

23. Honnold, J. O., *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International, 3rd Edition, 1999, p. 158.

24. *Rout ledge v. Grant* (1828) 4 Bing 653; *Offord v. Davies* (1862) 12 C.B.N.S. 748; *Turk v. Baker* (1990) 2 E.G.L.R. 195; *Scammell v. Dicker* (2001) 1 W.L.R. 631; *Bircluum Co Nominees (No.2) v. Worrell Holdings* [2001] EWCA Civ 775; (2001) 82 P. & C.R. 472 at [24], [35]; *Dunmore v. Alexander* (1830) 8 Shaw 190.

25. *Adams v. Lindsell* (1818) 1 B. & Aid. 681.

26. (1880) 5 C.P.D. 344.

27. Treitel, S. G., *The Law of Contract*, London: Sweet & Maxwell, 11th Edition, 2003, p. 41.

۱- هیچ ضرورتی ندارد که اعلام انصراف در فرم و به شیوه خاصی ابراز شود (ن.ک: ماده ۹۶ کنوانسیون).

۲- عبارات بند ۲ ماده ۱۵ به‌وضوح صراحت دارد که اطلاع از استرداد باید به‌طور واقعی به مخاطب ایجاب واصل شود تا استرداد نافذ شود.^{۲۸}

وین شیب^{۲۹} می‌گوید: «کنوانسیون، به‌طور صریح، استرداد از ایجاب، حتی ایجاب غیرقابل‌رجوع را مجاز می‌دارد مشروط بر اینکه استرداد پیش از وصول ایجاب یا هم‌زمان با وصول ایجاب به اطلاع مخاطب برسد. رویه قضایی کمتری در ارتباط با اعتبارات اسنادی در قیاس با قراردادهای فروش وجود دارد. ممکن است آرایه‌ای که مقرر می‌دارد که اعتبار اسنادی غیرقابل‌رجوع، قابل استرداد نیست، به قرارداد بیع تعمیم نیابد».^{۳۰}

هانولد سؤالی را در ارتباط با بند ۲ ماده ۱۵ مطرح می‌کند و آن اینکه آیا قید «... مشروط بر اینکه اعلام استرداد، پیش از وصول ایجاب یا هم‌زمان با آن به مخاطب برسد» برای موردی است که ایجاب به‌صورت غیرقابل‌رجوع باشد، یا شامل مورد ایجاب قابل‌رجوع هم می‌شود؟ به نظر می‌رسد که این قید فقط برای موردی است که ایجاب به‌صورت غیرقابل‌رجوع اعلام می‌شود زیرا با توجه به ماده ۱۶ ک. ایجاب ساده و مطلق، حتی بعد از وصول به مخاطب هم قابل‌رجوع است، مشروط بر اینکه نامه رجوع، قبل از ارسال قبول، به مخاطب برسد.^{۳۱}

۲۸. در قضیه *تنکس استیم‌شیپ (Tenax Steamship Co. v. Owners of the Motor Vessel Brimnes)* خوانده یک کشتی را از خواهان اجاره کرد اما اجاره‌بهای آن را در سررسید پرداخت نکرد. خواهان یک پیام از طریق تلکس برای او ارسال کرد و ضمن آن قرارداد را فسخ و استفاده خوانده را از کشتی منع کرد. دادگاه استیناف مقرر داشت که فسخ، هنگامی که به مرکز اداره شرکت خوانده رسیده، واقع شده است نه هنگامی که خواندگان، نامه را واقعاً خوانده‌اند. *آنه راف* از این رأی، سه نتیجه می‌گیرد:

اول. اگرچه موضوع این قضیه، استرداد ایجاب نیست و فسخ قرارداد، موضوع آن است، ولی از حیث اعمال قاعده در خصوص وصول، با قضایایی که موضوع آن استرداد ایجاب است، شباهت دارد.

دوم. اگر وصول پس از ساعت اداری شرکت محقق شود، از ابتدای شروع روز کاری بعد منشأ اثر می‌شود (See, *Schelde Delta Shipping BV v. Astarte Shipping Ltd (The "Pamela")*).

سوم. هنگامی که یک ایجاب یک‌جانبه استرداد می‌شود، ابلاغ واقعی استرداد ایجاب، ضروری نیست. موجب ملزم است که برای آگاه‌ساختن آن دسته از مخاطبان ایجاب که علی‌القاعده از ایجاب اولیه آگاهی داشته‌اند در خصوص استرداد ایجاب، گام‌های منطقی را بردارد (ن.ک: *آنه راف*؛ قواعد حقوق قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی، ترجمه: سیدمهدی موسوی، میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۲).

نگارندگان با نتیجه سوم *آنه راف* مخالف و معتقدند که با توجه به بند ۲ ماده ۱۵ و همچنین تعریف وصول در ماده ۲۴ ک. اطلاع از استرداد باید به‌طور واقعی به مخاطب ایجاب، وصول شود.

29. Winship

30. Winship, Peter, Formation of International Sales Contracts under the 1980 Vienna Convention, *International Lawyer*, vol. 17, 1983, p. 9.

۳۱. صفایی، حسین و همکاران؛ حقوق بیع بین‌المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، چاپ سوم (با تجدیدنظر و اضافات)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ص ۴۱.

استرداد ایجاب به زوال و ختم ایجاب منتج می‌شود. ایجاب مجدداً قابل استرداد نیست بلکه باید ایجاب جدید، جایگزین آن شود؛ اگرچه در اوضاع و احوال خاصی، اعلامیه‌ی حاوی قبول، علی‌رغم استرداد ایجاب در بازه زمانی معین، ممکن است به‌عنوان ایجاب، مؤثر واقع شده و سبب شود که روابط بین فروشنده و خریدار، دوباره از سرگرفته شود.^{۳۲}

۳-۱. استرداد ایجاب عام

به نظر می‌رسد استرداد نافذ و مؤثر ایجاب عام، وابسته به شرایط مشابهی است که بر نفوذ ایجاب عام حکومت می‌کند. جایی که ایجاب عام، با وصول به مخاطب نافذ می‌شود، به‌طور متعارف از موجبِ منصرف از مفاد ایجاب می‌توان انتظار داشت که اعلامیه انصرافش به مخاطب ایجاب واصل شود. از سوی دیگر، جایی که ایجاب عام بدون وصول به مخاطب نافذ می‌شود، انصراف از این ایجاب نیز به همان شیوه‌ای که منتشر شده است باید ممکن باشد.^{۳۳} این رویکرد مبتنی بر جمله دوم ماده (۱) ۶۵۸ قانون مدنی آلمان است.^{۳۴} همچنین در نظام‌های حقوقی که ایجاب عام را به رسمیت شناخته‌اند می‌تواند رویکرد مقبولی باشد.^{۳۵}

در نتیجه، در ایجاب عام (مثل جعله خطاب به عموم)، ایجاب در صورتی می‌تواند به‌درستی مسترد شود که اقدامات متعارف برای مطلع کردن اشخاصی که احتمال قبولی آنان می‌رود انجام گیرد.^{۳۶} در قضیه *Shuey v. United States, 92 U.S. 73 (1875)* که در دادگاه عالی امریکا تصمیم‌گیری شد، وزارت جنگ امریکا طی اطلاعیه‌ای در ۲۰ آوریل ۱۸۶۵ تعهد به پرداخت جایزه به اشخاصی کرده بود که اطلاعاتی درمورد اشخاص ذکرشده در اطلاعیه ارائه بدهند و اطلاعات مذکور موجب دستگیری آن افراد شود. این اطلاعیه، محدود به دوره زمانی خاصی نبود. در ۲۴ نوامبر ۱۸۶۵، رئیس‌جمهور امریکا طی دستوری، پیشنهاد پاداش مذکور در اطلاعیه را لغو کرد. خواهان در سال ۱۸۶۶، بدون اینکه از لغو اطلاعیه آگاهی داشته باشد، اطلاعاتی را درمورد یکی از اشخاص مذکور در اطلاعیه در اختیار مقامات امریکایی قرار داد و در نتیجه، شخص مذکور بازداشت شد. دادگاه عالی امریکا با استناد به اینکه خواهان تا قبل از لغو اطلاعیه، هیچ کاری با تکیه بر آن نکرده بود، دادخواست وی را برای تقاضای پاداش، رد کرد.

32. Schlechtriem, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods*, p. 116.

33. *Ibid.*

34. در این ماده مقرر شده است: «تعهد به پاداش (جعله) تا زمانی که عمل انجام شده است قابل انصراف است. انصراف، هنگامی مؤثر می‌شود که به طریقی ابراز شود که تعهد به پاداش (جعله) ابراز شده بود».

35. Schlesinger, R. B., *Formation of Contracts: A Study of the Common Core of Legal Systems*, NY: Oceana Publications, 1st Edition, 1968, p. 113.

36. داکسبری، روبرت؛ مروری بر حقوق قراردادهای در انگلستان، ترجمه و توضیحات: حسین میرمحمد صادقی، حقوقدان، ۱۳۷۷، ص ۳۶.

۲-۳. استرداد ایجاب الکترونیکی

برخلاف ماده ۱۲ کنوانسیون مربوط به قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اموال منقول، مصوب ۳۷۱۹۶۴ (موسوم به ULF)، کنوانسیون وین، ابزار خاصی را برای اعلام ایجاب، قبول، استرداد یا رجوع از ایجاب مشخص نکرده است. ماده ۲۷ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «در مواردی که هر نوع اخطار، تقاضا یا سایر انواع مراسلات توسط یکی از طرفین مطابق این فصل و با وسایلی متناسب با اوضاع و احوال، صادر یا انجام می‌شود، تأخیر یا اشتباه در ارسال یا عدم وصول آن، او را از حق استناد به مراسلات مذکور، محروم نمی‌سازد مگر اینکه در این فصل از کنوانسیون، طور دیگری تصریح شده باشد».

در مکاتبات الکترونیکی، شورای مشورتی کنوانسیون وین در سال ۲۰۰۳ ذیل بند ۲ ماده ۱۵ چنین مقرر داشت که: «ایجاب، حتی اگر غیرقابل رجوع باشد، می‌تواند مسترد شود، مشروط بر اینکه انصراف، قبل از وصول یا هم‌زمان با وصول ایجاب به مخاطب، وارد سرور وی شود. پیش شرط ضروری برای استرداد ایجاب الکترونیکی این است که مخاطب به نحو صریح یا ضمنی به دریافت ارتباط الکترونیکی از آن نوع، در آن فرمت و به آن نشانی رضایت دهد».^{۳۸}

۳-۳. اثر مرگ، حجر و ورشکستگی موجب قبل از وصول اعلامیه استرداد به مخاطب

در کنوانسیون، هیچ مقرره‌ای در مورد وقایع حقوقی فوق‌الذکر نیست. ماده (۳) ۴ پیش‌نویس قانون متحدالشکل انعقاد قرارداد بیع بین‌المللی (۱۹۵۸) مقرر می‌داشت که مرگ یا حجر در برخی اوضاع و احوال، می‌تواند مجوز استرداد ایجاب باشد. همین‌طور ممکن است مخاطب ایجاب اجازه بدهد تا پیشنهاد منقضی شود. کمیته مربوط به شکل و انعقاد قرارداد، چهار توصیه را دریافت کرد: یک توصیه این بود که گفته شود، ایجاب منقضی نخواهد شد؛ توصیه دیگر این بود که موجب باید منقضی شود و سومین توصیه مقرر می‌داشت که می‌توان از ایجاب عدول کرد و چهارمین توصیه عنوان می‌کرد که بین مرگ و حجر موجب و مرگ و حجر مخاطب ایجاب باید تمایز قائل شد. به جای چهارمین پیشنهاد گفته شد که ماده (۳) ۴ پیش‌نویس ۱۹۵۸ حذف شود. تصمیم نهایی در ماده ۱۱ کنوانسیون مربوط به قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قراردادهای بیع

37. Convention Relating to a Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods (The Hague, 1964).

قواعد مربوط به انعقاد قرارداد بیع کنوانسیون که قسمت عمده آن از قواعد کنوانسیون ۱۹۶۴ لاهه، معروف به ULF اقتباس شده است موضوع فصل دوم کنوانسیون است.

(See, Honnold, John. (1964). The 1964 Hague Conventions and Uniform Laws on the International Sale of Goods. *The American Journal of Comparative Law*, vol. 13, No. 3, pp. 451-453).

38. CISG-Advisory Council Opinion No. 1, Electronic Communications under CISG (Aug. 15, 2003), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/CISG-AC-op1.html>.

بین‌المللی اموال منقول، مصوب ۱۹۶۴ تجلی پیدا کرد که مقرر می‌داشت مرگ و حجر یکی از طرفین، قبل از قبول، اثری در انعقاد قرارداد ندارد مگر اینکه قصد طرفین، برخلاف این باشد یا عرف و عادت یا مقتضای قرارداد، خلاف آن را مقرر دارد. کنوانسیون وین، کماکان در مورد این موضوع، سکوت کرده است. بحث در مورد افلاس و ورشکستگی، نه در کنفرانس ۱۹۶۴ لاهه بررسی شد و نه در کنفرانس وین. لذا به نظر می‌رسد که موضوعات مرتبط با مرگ، حجر و ورشکستگی، تابع قانون ملی حاکم بر قرارداد است.^{۳۹}

۴. رجوع از ایجاب (ماده ۱۶)

ماده ۱۶ کنوانسیون در بند ۱ به اصل قابلیت رجوع از ایجاب اشاره دارد: «۱. مادام که قرارداد منعقد نشده است ایجاب قابل رجوع است، به شرطی که رجوع پیش از آنکه مخاطب ایجاب، قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل شود». لیکن اصل قابلیت رجوع از ایجاب، عمیقاً به علت بند ۲ فرسوده می‌شود: «۲. با وجود این در موارد ذیل نمی‌توان از ایجاب رجوع کرد: الف) در صورتی که ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از این داشته باشد که غیر قابل رجوع است؛ یا ب) هرگاه تکیه مخاطب بر ایجاب به عنوان ایجاب غیر قابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد».

۱-۴. خطوط کلی

یکی از موضوعات بسیار پیچیده در طول بررسی پیش‌نویس کنوانسیون، بررسی این سؤال بود که آیا ایجاب نافذ^{۴۰} (یعنی ایجابی که به مخاطب واصل شده است) قابل رجوع فرض می‌شود یا غیر قابل رجوع؟ و در گام بعدی، چه محدودیت‌هایی باید بر حق رجوع موجب تحمیل کرد؟^{۴۱} این موضوع به دلیل وجود دو دیدگاه متعارض در نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی، مشکل حادی به نظر می‌رسید. /تورسی^{۴۲} در تقسیم‌بندی میان نظام‌های حقوقی، سه گرایش و رویکرد را در رابطه با رجوع از ایجاب بیان می‌کند:

۳۹. بیانکا و بونل؛ همان، صص ۲۰۹-۲۱۰.

40. Effective offer

41. See, Malik, Shahdeen, Offer: Revocable or Irrevocable. Will Art. 16 of the Convention on Contracts for the International Sale Ensure Uniformity? , *Indian J. Int'l L.*, vol. 25, 1985, pp. 26-49; Eörsi, G. (1979). Problems of Unifying Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods , *American Journal of Comparative Law*, vol. 27, pp. 311-323; Murray, John E. (1988). An Essay on the Formation of Contracts and Related Matters under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods , *Journal of Law and Commerce*, vol. 8, pp. 11-51.

۴۲. ن.ک: بیانکا و بونل؛ همان، صص ۲۱۴.

۱. اصولاً در نظام حقوقی کامن‌لا، ایجاب قابل‌رجوع است^{۴۳} و جز در صورت تصریح موجب بر التزام خویشتن بر نگهداری ایجاب و حتی سپردن برخی تضمینات، تعهد نسبت به نگهداری ایجاب را موجه نمی‌داند.^{۴۴} محاکم انگلستان بسیار بی‌میل هستند تا از نظریه *استاپل*^{۴۵} برای ایجاب‌های غیرقابل‌رجوع استفاده کنند و به مخاطب چنین ایجابی اجازه دهند تا مطالبه جبران خسارت خود را از ناقض بخواهد؛

۲. در حقوق فرانسه (ن.ک: ماده ۱۱۰۵-۲، ۱۱۰۵-۳ و ۱۱۰۵-۴ طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه)، رجوع از ایجاب جایز است ولی موجب ملزم است که منافع مخاطب ایجاب را حفظ کرده و خسارت وارده به وی را که در نتیجه رجوع از ایجاب حادث شده است، جبران کند.^{۴۶} رویکرد حقوق فرانسه در بحث قابلیت رجوع از ایجاب، رویکردی میانه بین رویکرد حقوق انگلیس و حقوق آلمان است؛ و

۳. در حقوق آلمان (ن.ک: ماده ۱۴۵ قانون مدنی آلمان)^{۴۷} و سوییس (ن.ک: مواد ۳، ۵ و ۸ حقوق تعهدات سوییس) ایجاب علی‌الاصول الزام‌آور است مگر اینکه موجب مقرر داشته باشد که

43. Bridge, M., *Benjamin's Sale of Goods*, London: Sweet & Maxwell, 5th Edition, p. 109; Bridge, M. G. (1999). *The International Sale of Goods: Law and Practice*, Oxford University Press, 1st Edition, para. 3.03, 1997; Beatson, J., *Anson's Law of Contract*, UK: Oxford University Press, 27th Edition, 1998, p. 52.

44. See, *Routledge v. Grant* [1828]; *Offord v. Davies* [1862]; *Byrne & Co v. Van Tienhoven & Co* [1880]; *Henthorne v Fraser* [1870]. See further, Schwenzer, I., Fountoulakis, C. (Eds.). (2006). *International Sales Law*, London & NY: Routledge & Cavendish, 1st Edition, p. 146; Beatson, *op. cit.*, p. 59.

45. فرهنگ حقوقی بلک، استاپل را چنین تعریف کرده است: «*استاپل* این است که یک طرف (دعوا)، در نتیجه افعال خود از مطالبه حقی به ضرر طرف دیگر که ذی‌حق در اعتماد به آن افعال بوده و مطابق آن عمل کرده است، منع می‌شود. *استاپل* هنگامی مطرح می‌شود که شخصی به‌موجب قانون از سخن گفتن برخلاف سند یا فعل خودش ممنوع شود زیرا نمی‌توان وضعیت یا رفتاری متعارض را که موجب زیان دیگری شود، پذیرفت. *استاپل* مانعی است که ادعا یا انکار واقعه معین یا وضعیت‌هایی را، در نتیجه ادعا یا انکار یا عمل یا پذیرش یا قضاوت نهایی موضوع در دادگاه حقوقی، ممنوع می‌کند».

(Garner, B. A., *Black's Law Dictionary*, USA: West Group Pub, 9th Edition, 2009, pp. 285-286).

46. See Cass. Civ., Dec. 17, 1958, D. Jur. 1959, 33 (declaring that if the offeror has expressly or implicitly undertaken not to revoke before a certain time, he cannot revoke before that time without incurring liability).

47. حقوق آلمان، قانون ایجاب ملزم است. در حقوق آلمان، ایجاب اصولاً غیرقابل رجوع است. اگر موجب تعهد کند که در مدت معینی، از ایجاب عدول نکند، رجوع از ایجاب در آن مدت بلااثر و غیرنافذ است. (Marsh, P.D.V. (1994). *Comparative Contract Law: England, France, Germany*, Gower Pub Co, 1st Edition, p. 63) کند که باید قبولی تا تاریخ معینی ابراز شود و موعدی را برای انقضای ایجاب ذکر کند، باز هم در آن مدت، ایجاب، غیرقابل عدول است. اگر ایجاب، هم درمورد قابلیت رجوع و هم درمورد انقضاء، ساکت باشد، چنین ایجابی برای مدت متعارف، غیرقابل رجوع است (*Ibid*). موجب تنها با ابراز صریح اینکه ایجابش قابل رجوع است می‌تواند ایجاب را قابل عدول سازد، مثلاً با استفاده از کلماتی مثل *ohne obligo* یا *freibleibend*. البته در چنین مواردی نیز با این ایجاب به‌عنوان دعوت به ایجاب برخورد می‌شود و نه ایجاب کامل (Sweigert, K., Kotz, H. (1998). *Introduction to Comparative Law*, Claredon Press, Oxford, 3rd Edition, p. 362).

ایجاب قابل رجوع است. در حقوق آلمان، هر ایجابی حاوی یک تعهد است. این نظام‌ها در جزئیات مربوط به رجوع از ایجاب نیز نقاط افتراق فراوانی دارند.^{۴۸} مقرر نهایی تصویب شده در کارگروه، تلاشی برای همسان‌سازی عرف‌ها و رسوم مختلف تجاری بود و تا حد زیادی این تلاش‌ها به ثمر نشست. اگرچه در مسائلی همچون مسئله حاضر که نتیجه همسان‌سازی دو رسم مختلف تجاری متعلق به دو نظام مختلف، یکی عرفی و دیگری نوشته است وجود ابهامات، انکارناشدنی است. ماده ۱۶ کنوانسیون، بازتابی از تراضی منافع نظام نوشته و کامن‌لا بین قابلیت رجوع و غیرقابلیت رجوع از ایجاب است.^{۴۹} پاراگراف ۱ ماده ۱۶ مشتمل است بر اصل کامن‌لایی قابلیت رجوع از ایجاب. درحالی‌که پاراگراف ۲ (الف) به‌وضوح از سیستم حقوقی رومی ژرمنی اقتباس شده است و استثنای مندرج در پاراگراف ۲ (ب) بازتابی از نظام کامن‌لا است. کمبود رویه قضایی غنی در موضوع حاضر، بر جنبه آکادمیک و نظری بحث، بیشتر می‌افزاید.^{۵۰}

۴-۲. اصل قابلیت رجوع از ایجاب (ماده ۱۶ (۱) کنوانسیون)

ماده (۱) ۱۶ کنوانسیون، اشاره به اصل قابلیت رجوع از ایجاب^{۵۱} دارد.^{۵۲} اصل مندرج در پاراگراف ۱ ماده ۱۶ در نگاه اول، ساده به نظر می‌رسد: مادامی‌که قرارداد منعقد نشده است، موجب آزاد است تا از ایجاب خود رجوع کند، مشروط بر اینکه رجوع قبل از اینکه مخاطب، قبول را گسیل دارد، به مخاطب ایجاب برسد.

در توجیه این قاعده باید گفت که در گذشته در کامن‌لا، ایجاب در هر حال قابل رجوع بود، هر چند به‌صورت غیرقابل رجوع بیان شده بود، مشروط بر اینکه قبل از انعقاد قرارداد، نامه حاوی رجوع به مخاطب رسیده باشد. بر مبنای این قاعده، موجب، اختیاری وسیع برای رجوع از ایجاب داشت. از طرفی مخاطب در مدت طولانی بعد از وصول ایجاب، در حالت ابهام و سرگردانی از

48. Malik, *op. cit.*, pp. 26-49.

49. See, Leete, Burt A., Contract Formation under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the Uniform Commercial Code: Pitfalls for the Unwary, *Temple International and Comparative Law Journal*, vol. 6, 1992, p. 193.

50. See, Higher Court in Ljubljana, Slovenia, 9 April 2008, English editorial remarks available on the Internet at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/080409sv.html>

51. Revocability rule

52. اصل قابلیت رجوع از ایجاب در ماده ۴-۱۲ اصول یونیدروا (۲۰۱۰) نیز پذیرفته شد. در بند ۱ این ماده آمده است: «تا قبل از انعقاد قرارداد، در صورتی می‌توان از ایجاب رجوع کرد که قبل از ارسال قبول از سوی مخاطب ایجاب، وی رجوع از ایجاب را وصول کند»

(See, Vincze in, Felemegas, J. (Ed.), *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 1st Edition, 2007, pp. 84-91).

اینکه ایجاب از ناحیه موجب رجوع شده است یا خیر قرار داشت.^{۵۳} برای اینکه این اختیار وسیع موجب، محدود و مدت زمان بلا تکلیفی وی کوتاه شود، «قاعده صندوق پستی»^{۵۴} پذیرفته و مقرر شد به محض اینکه نامه قبول از طرف مخاطب ارسال شد، دیگر ایجاب، قابل رجوع نباشد. به عبارت دیگر، باید نامه حاوی رجوع قبل از ارسال قبول، به مخاطب برسد تا رجوع مؤثر شود.^{۵۵} با اینکه قرارداد در این زمان هنوز منعقد نشده است. مطابق مواد ۲۳ و ۲۴ کنوانسیون، قرارداد «بعد از وصول قبول به موجب» منعقد می‌شود. پس تا زمان وصول قبول بر موجب، هنوز عقدی منعقد نشده است و باید اصولاً ایجاب هم قابل رجوع باشد، لیکن بند ۱ ماده ۱۶ مانع این امر شده و به محض ارسال قبول، ایجاب را غیر قابل رجوع می‌داند.

ارسال قبولی از موارد سقوط حق رجوع موجب محسوب می‌شود. پس اگر موجب، ایجاب قابل قبولی را ارسال کرده باشد، باید به ایجاب خود ملتزم بماند حتی اگر رجوعش را اعلام کرده باشد.^{۵۶} زوال حق رجوع از طریق ارسال قبولی، یک قاعده آمره نیست. موجب می‌تواند آزادی عملش را با درج شرطی توسعه دهد. برای مثال، شرط کند که ایجابش هیچ تعهدی را به همراه ندارد، مادامی که پاسخ مخاطب واصل شود.^{۵۷} لازم به ذکر است که موضوع قابلیت رجوع از ایجاب، یعنی اعمال ماده ۱۶، تنها زمانی مطرح می‌شود که ایجاب به مخاطب رسیده باشد. موجب می‌تواند ایجاب غیر قابل رجوع، انشاء کند اما

۵۳. بیانکا و بونل؛ همان، ص ۲۱۵؛ صفایی و همکاران؛ همان، ص ۴۲.

54. Post box rule

برای مطالعه بیشتر در مورد این قاعده، ن.ک: فخرالدین اصغری آقمشهدی، علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار؛ «بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

۵۵. هانولد در: صفایی و همکاران؛ همان، ص ۴۲.

56. See, Slovenia 9 April 2008 Higher Court [Appellate Court] in Ljubljana [Cite as: <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/080409sv.html>]; Case law on UNCITRAL texts [A/CN.9/SER.C/ABSTRACTS/118], CLOUT abstract no. 1151.

در این دعوا، یک خریدار اسلواکی سفارش کالا را به فروشنده استرالیایی فرستاد. فروشنده، قبولی ایجاب را در ۸ اکتبر ۱۹۹۹ تأیید کرد. در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۹ خریدار، اعلامیه حاوی رجوع از ایجاب را به فروشنده فرستاد. مبیع مورخ ۱۲ اکتبر به حامل تحویل داده شده بود. خریدار ثمن را نپرداخت به این ادعا که قبل از اینکه به او ابلاغ شود که کالاها به عامل حمل و نقل سپرده شده است از ایجابش رجوع کرده بود. فروشنده نزد دادگاه بدوی دعوای مطالبه ثمن را مطرح کرد. دادگاه مقرر داشت که رجوع خریدار، هیچ اثر قانونی ندارد زیرا فروشنده قبلاً تمام تعهدات قراردادی اش را انجام داده بود. خریدار درخواست پژوهش کرد. دادگاه تجدیدنظر، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را بر این مرافعه حاکم دانست. دادگاه استیناف با توجه دادن طرفین به ماده (۱) ۱۶ کنوانسیون مقرر داشت که از ایجاب می‌توان رجوع کرد مشروط بر اینکه قبل از ارسال قبولی، رجوع به مخاطب برسد. فروشنده در ۱۴ اکتبر اعلامیه رجوع را دریافت کرده است یعنی زمانی که وی در ۸ اکتبر قبولی اش را ارسال کرده بود و حتی بعد از آن با ارسال مبیع، تعهداتش را طبق قرارداد اجرا کرد. لذا نظر دادگاه بدوی تأیید می‌شود و رجوع خریدار، هیچ مبنای قانونی ندارد.

57. Schlechtriem, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods*, p. 120.

این ایجاب، قبل از اینکه به مخاطب واصل شود، قابلیت استرداد را دارد (ماده (۲) ۱۵). ایجابی که به مخاطب واصل نشده است، نافذ نیست و بنابراین هیچ الزامی از سوی موجب ایجاد نمی‌کند. اطلاع مخاطب از قصد رجوع موجب، هیچ تأثیری بر رجوع از ایجاب ندارد. لازم است که رجوع از ایجاب به مخاطب ایجاب واصل شود.^{۵۸} اگرچه در دعوی *Dickinson v. Dodds*^{۵۹} در انگلستان نظر مخالف نیز ابراز شده است که البته مورد انتقاد *تریتل*^{۶۰} نیز قرار گرفته است.

مثال ۱. ایجاب قابل رجوعی در تاریخ ۱ مارس به مخاطب می‌رسد. موجب، نامه رجوع را در ۱۴ مارس پست می‌کند. مخاطب، نامه قبولی را در ۱۵ مارس ارسال می‌کند. نامه رجوع از ایجاب در ۱۶ مارس به مخاطب می‌رسد.

اعمال معیار مندرج در پاراگراف ۱ ماده ۱۶، «تا زمانی که قرارداد منعقد نشده است»، به این نکته اشاره دارد که رجوع در مثال بالا مؤثر است زیرا در ۱۶ مارس، قراردادی منعقد نشده است. مطابق ماده ۲۳ کنوانسیون، قرارداد از لحظه‌ای که قبول ایجاب مطابق ماده (۲) ۱۸ نافذ شود، منعقد می‌شود و مطابق ماده (۲) ۱۸ قبول ایجاب از لحظه وصول اعلام رضا به موجب، نافذ می‌شود. از سوی دیگر، اعمال معیار، «قبل از اینکه مخاطب، قبولی را ارسال کند» در مثال بالا قابل اشاره است. رجوع از ایجاب نافذ نیست زیرا قبل از اینکه مخاطب در ۱۵ مارس، قبولی را گسیل دارد، اعلامیه رجوع، هنوز به وی نرسیده است.

این دوگانگی، نتیجه و برآمد تأثیرات استفاده از نظریه «ارسال»^{۶۱} و «وصول»^{۶۲} در ماده (۱) ۱۶ است؛ اگرچه عموماً کنوانسیون از نظریه وصول تبعیت می‌کند یعنی قصد و اراده برای ایجاد نفوذ و التزام باید مطابق تعریف مندرج در ماده ۲۴ ک. به مخاطب برسد. بخش دوم کنوانسیون (انعقاد قرارداد) عموماً تحت تأثیر نظریه وصول است و بخش سوم کنوانسیون (بیع کالا) تحت تأثیر نظریه ارسال است.^{۶۳} معیار «تا زمانی که قرارداد منعقد نشده است» در شرایطی که قرارداد با اعمال مخاطب ایجاب منعقد می‌شود، معیار شایسته و مناسبی است.^{۶۴}

الف. قبول فعلی (ماده (۳) ۱۸ کنوانسیون)

منظور از قبول فعلی (عملی) انجام اقداماتی است که از سوی مخاطب، دلالت بر پذیرش پیشنهاد

58. Schlechtriem, *op. cit.*, p. 119.

59. *Dickinson v. Dodds* (1876) 2 Ch D 46; also see, *Cartwright v. Hoogstoel* (1911) 105 L.T. 628.

60. Treitel, *op. cit.*, p. 42.

61. Dispatch

62. Receipt

63. اگرچه نظریه ارسال در این بخش استثنائاتی نیز دارد: مواد (۲) ۴۷، (۴) ۴۸، (۲) ۶۳ و (۱) ۶۵ و (۴) ۷۹. در این مواد، ارتباط، زمانی مؤثر و نافذ می‌شود که به مخاطب واصل شود.

64. Malik, *op. cit.*, p. 31.

موجب داشته باشد.^{۶۵} چنین اقداماتی مصادیق متعدد دارند. اما دو نوع عمده آن که اغلب با قصد پذیرش پیشنهاد موجب انجام می‌گیرد عبارت‌اند از ارسال کالا و پرداخت ثمن.

مثال ۲. مشابه مثال ۱، به‌جز اینکه در ۱۵ مارس، مخاطب عملی از قبیل ارسال مبیع یا پرداخت ثمن انجام دهد، درحالی‌که اعلامیه رجوع موجب در ۱۶ مارس به مخاطب می‌رسد. در این مثال، ارسال قبولی وجود ندارد زیرا قرارداد از طریق قاعده مندرج در ماده (۳) ۱۸ به‌وسیله انجام عملی نظیر ارسال کالا یا پرداخت ثمن، در ۱۵ مارس منعقد شده است. بنابراین بازه زمانی رجوع نیز در همان ۱۵ مارس به پایان می‌رسد و اعلامیه رجوع نیز مؤثر و کارگر نیست. چنین رجوعی حتی اگر موجب از انجام چنین عملی ناآگاه باشد، مؤثر نیست و در نتیجه قرارداد منعقد می‌شود.^{۶۶}

می‌توان چنین نتیجه گرفت که معیار «رجوع واصل‌شده قبل از ارسال قبولی» فقط در مواردی مصداق دارد که قرارداد با ارسال نامه، تلکس و سایر ابزارات ارتباطی منعقد می‌شود. در غیر این صورت، یعنی جایی که رضای مخاطب فعلی است، چنان‌که در مثال شماره ۲ توضیح داده شد، ممکن است نتایج متناقض پدیدار شود.^{۶۷}

به‌عنوان قاعده می‌توان گفت وفق ماده (۳) ۱۸، اگر مخاطب بر مبنای رویه طرفین یا حسب عرف و عادت، بدون اعلام به موجب، از طریق انجام عملی (مثل ارسال کالا یا پرداخت ثمن) اعلام رضا کند، قبول در لحظه انجام فعل مؤثر می‌شود و قرارداد از همین لحظه، منعقدشده محسوب می‌شود؛ لذا حق رجوع موجب از ایجابش در همین لحظه زائل می‌شود.^{۶۸} اما بعد از اینکه مخاطب، رضایش را ارسال کند، حق رجوع موجب، ساقط (در مثال ۱، ۱۵ مارس) و موجب به مفاد ایجابش ملتزم می‌شود. اما مخاطب، مادامی‌که قبولی‌اش به‌موجب واصل نشود به قبولی‌اش الزامی نخواهد داشت (ماده (۲) ۱۸). مخاطب می‌تواند قبولی‌اش را استرداد کند مشروط بر اینکه استرداد قبولی پیش از وصول قبولی یا هم‌زمان با آن به اطلاع موجب برسد.^{۶۹}

65. Garner, *op. cit.*, p. 11.

66. ماده (۳) ۱۸ ک. مقرر می‌دارد: «چنانچه طبق ایجاب یا در نتیجه رویه معمول به طرفین یا حسب عرف و عادت مخاطب بدون اعلام به ایجاب‌کننده بتواند با انجام عملی نظیر آنچه مربوط به ارسال کالا یا پرداخت ثمن است اعلام رضا کند، قبول از لحظه‌ای که عمل انجام می‌شود نافذ است، مشروط بر اینکه عمل مزبور، ظرف مدت مقرر در بند پیشین انجام شود».

67. Malik, *op. cit.*, p. 31.

68. Kritzer, A., *Guide to Practical Applications of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Deventer & Boston: Kluwer Law and Taxation Publishers, 1st Edition, 1989, p. 164.

69. ماده ۲۲ ک. مقرر می‌دارد: «قبول به شرطی قابل انصراف است که انصراف پیش از نافذشدن یا هم‌زمان با نافذشدن قبول (در غیاب انصراف) به ایجاب‌کننده واصل شود»

(Sutton, Kenneth C., *Formation of Contract: Unity in International Sale of Goods*, *University of Western Ontario Law Review*, vol. 16, 1979, pp. 130).

ماده ۲-۲۰۲ اصول حقوق قراردادهای اروپا (PECL) در بند ۱ مقرر می‌دارد: «ایجاب در صورتی می‌تواند رجوع شود ... که درمورد قبولی با عمل، رجوع، پیش از انعقاد قرارداد بر اساس ماده (۲) ۲-۲۰۵ به گیرنده ایجاب، واصل شده باشد» و مطابق ماده (۲) ۲-۲۰۵ همین اصول، «درمورد قبولی با عمل، قرارداد، زمانی منعقد می‌شود که اخطار انجام عمل مذکور توسط مخاطب به‌موجب برسد». البته اگر بر اساس ایجاب یا به‌وسیله عرف و رویه معمول، طرفین شیوه‌ای را مابین خود مقرر کرده باشند، گیرنده ایجاب می‌تواند ایجاب را از طریق اجرای یک عمل بدون ارسال اخطار به موجب قبول کند. در این صورت، زمانی که اجرای عمل موردنظر شروع شود، قرارداد منعقد می‌شود. (بند ۳ ماده ۲-۲۰۵).

ب. رجوع از رجوع

شخص به علت رجوعش تنها هنگامی ملتزم می‌شود که اعلامیه رجوعش به مخاطب برسد. اما استثنائاً رجوع از رجوع باید ممکن باشد مشروط بر اینکه مخاطب با اتکاء بر آن رجوع، عملی مغایر را انجام نداده باشد و به‌ویژه مخاطب از رجوع اول، اطلاع کسب نکرده باشد. شخصی که از ایجابش رجوع می‌کند باید بار اثبات دلیل را به عهده گیرد.^{۷۰}

ج. رجوع از ایجاب عام

کنوانسیون درمورد رجوع از ایجاب عام، ساکت است. حق رجوع از ایجاب عام با ارسال قبولی خاتمه می‌یابد. قواعد راجع به استرداد ایجاب عام درمورد رجوع از ایجاب عام مرعی می‌شود. یادآوری این نکته ضروری است که هرچند اعلام رجوع از ایجاب، تشریفات خاص ندارد، در مواردی که ایجاب به طرف عموم و به‌وسیله آگهی در روزنامه منتشر می‌شود، رجوع نیز می‌بایست به همان وسیله اعلان شود، مگر اینکه رجوع‌کننده، اشخاص ذی‌نفع را بشناسد و به‌وسیله دیگری آنان را آگاه سازد. بند ۲ ماده ۲-۲۰۲ اصول حقوق قراردادهای اروپا بیان می‌کند که: «ایجابی که نسبت به عموم صورت گرفته، می‌تواند توسط همان شیوه‌ای که برای ارائه ایجاب استفاده شده، رجوع شود».^{۷۱}

در امریکا نیز طبق ماده ۴۳ مجموعه اصول و قواعد حقوقی (دوم) درمورد قراردادها^{۷۲} «پیشنهادی که به‌واسطه تبلیغات روزنامه‌ای یا اعلامیه عمومی به عموم مردم یا به تعداد خاصی از افراد که هویت‌شان برای فروشنده ناشناخته است ارائه شود، با تبلیغ یا اعلام عمومی پیش از انعقاد قرارداد، قابل رجوع است».

70. Schlechtriem, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods*, p. 119.

71. See, Akseli in, Felemegas, *op. cit.*, p. 303.

72. Restatement (Second) of Contracts

War Department, Washington, April 20, 1865.

\$100,000 REWARD!

THE MURDERER

Of our late beloved President, ABRAHAM LINCOLN,
IS STILL AT LARGE.

\$50,000 REWARD!
 will be paid by this Department for his apprehension, in addition to any reward offered by Municipal Authorities or State Executives.

\$25,000 REWARD!
 will be paid for the apprehension of JOHN H. SURRATT, one of Booth's accomplices.

\$25,000 REWARD!
 will be paid for the apprehension of DANIEL C. HARROLD, another of Booth's accomplices.

LIBERAL REWARDS will be paid for any information that shall conduce to the arrest of either of the above-named criminals, or their accomplices.

All persons harboring or receiving the said persons, or either of them, or aiding or assisting their escape, will be treated as accomplices in the murder of the President and the attempted assassination of the Secretary of State, and shall be subject to trial before a Military Commission and the punishment of DEATH.

Let the stain of innocent blood be removed from the land by the arrest and punishment of the murderers.

All good citizens are exhorted to aid public justice on this occasion. Every man should consider his own conscience charged with this solemn duty, and rest neither night nor day until it be accomplished.

EDWIN M. STANTON, Secretary of War.

REMARKS:—GIVEN IN A hall at Bowling Green, New York, on Monday, April 24, 1865. The poster was 30 in. high by 18 in. wide. It was printed by G. F. SHERITT & CO., Printers and Stationers, no. 202 Nassau St., N. Y.

Collection of The New-York Historical Society. The original poster measured approximately thirty inches by eighteen inches (30 in. x 18 in.).

۱) قضیه *Shuvey v. United States*

بنیان این قاعده در پرونده مهم *Shuvey v. United States*^{۷۳} نهاده شد. در آوریل سال ۱۸۶۵، دولت فدرال بیان کرد که برای اطلاعاتی که به دستگیری جان‌ابج. سورات^{۷۴} یکی از شرکای قتل آبراهام لینکلن (۱۸۰۹-۱۸۶۵ م.) منتهی شود، جایزه‌ای داده خواهد شد. رجوع این پیشنهاد هم در نوامبر همان سال انتشار یافت. آوریل سال بعد، خواهان، که در اروپا مقیم بود و در مورد رجوع این پیشنهاد اطلاعی نداشت، اطلاعاتی ارائه داد که به دستگیری مجرم مدنظر منتهی شد و سپس مدعی دریافت جایزه شد. راهکار

دیوان عالی این بود که ایجاب یک جایزه، تعهدی مشروط بر ارائه خدمت مورد نظر، پیش از رجوع از ایجاب است. دادگاه بیان کرد که «همانند هرگونه ایجاب دیگر، پیشنهاد مورد نظر ممکن است قبل از اینکه حقی به آن اختصاص یابد زائل شود. زوال این ایجاب از همان کانالی صورت می‌گیرد که از آن طریق منتشر شده بود». این حقیقت که خواهان در مورد زوال ایجاب عالم نبود، مهم نیست چون این پیشنهاد مستقیماً به او عرضه نشده بود. به نظر می‌رسد قاعده‌ای که دادگاه بنا گذاشته، تنها مورد عملی است. راه‌حل دیگری نیز قابل طرح است که چنین پیشنهادهایی به‌عنوان پیشنهاد قطعی غیرقابل رجوع در نظر گرفته شود و تنها بعد از انقضای زمانی متعارف، دیگر معتبر نباشد و از درجه اعتبار ساقط شود. الزام به اعلام مستقیم رجوع یک ایجاب عام به همگان، شدنی نیست. عقیده دادگاه با انتقاداتی نیز مواجه شد، چون خواهان باید به همان صورت که از ایجاب منتشر شده آگاهی یافته بود از رجوع از آن نیز آگاهی می‌یافت.^{۷۵}

73. 92 U.S. 73 (1875)

74. John H. Surratt

75. پروفیسور جوزف پرلیو استاد ممتاز دانشگاه فوردهام در مقاله‌ای محققانه در ۵۸ صفحه، رأی معروف *Shuvey v. United States*

را تجزیه و تحلیل می‌کند که پرداختن به تمام اجزای این رأی مهم، باعث اطاله کلام می‌شود.

See, Perillo, Joseph. M., *Screed for a Film and Pillar of Classical Contract Law: Shuey v. United States*, *Fordham Law Rev*, vol. 71, 2002, pp. 915-967.

این الزام که رجوع باید به همان شیوه‌ای ابراز شود که ایجاب انتشار یافته، در پرونده‌ای مشابه، بازتاب داشت. در پرونده *Sullivan v. Philips*^{۷۶} دادگاه به‌عنوان استدلال چنین رأی داد: «ایجاب یک جایزه را تنها به همان شیوه‌ای که ارائه شده یا روشی دیگر که رجوع را علنی می‌کند، می‌توان زائل کرد». در صورتی که رجوع به میزان انتشار ایجاب جایزه علنی عمومی‌سازی نشود، چنین رجوعی مؤثر واقع نخواهد شد. بنابراین، در قضیه *Hoggard v. Dickerson*^{۷۷} چنین مقرر شد که رجوع از ایجاب جایزه برای بازداشت یک مجرم، تحت تأثیر انتشار ایجاب جایزه‌ای متفاوت در جامعه دیگری قرار نمی‌گیرد، به‌ویژه اینکه ایجاب متعاقب، هیچ نشانی از زائل شدن ایجاب اولیه را در خود ندارد.

۲) قضیه *Shaub v. City of Lancaster*

درحالی‌که قصد موجب در رجوع باید اعلان شود، ممکن است بنابر شرایط ایجاب، این‌طور به نظر رسد که موجب تنها تا زمانی تحت التزام ایجابش است که موقعیت تشکیل‌دهنده آن ایجاب موجود باشد. بنابراین در پرونده *Shaub v. City of Lancaster*^{۷۸} با ارجاع به مصوبه شورای شهر که شهردار را به ارائه ایجاب دادن پاداش برای دستگیری آتش‌افروزان هدایت می‌کرد، دادگاه بیان داشت که «ارائه پاداش، به‌عنوان تنها درمان معضل موجود، مقصود شورای شهر بود، و زمانی که هدف این جایزه برآورده شد، ایجاب دیگر بی‌مصرف شد. آن ... تنها دستور موقت برای رفع مسئله‌ای موقت بود». چنین استنباط می‌شود که ایجاب، تنها محدود به زمانی متعارف بود که طی آن مدت، هدف اصلی می‌توانست انجام شود، ولی در خارج از آن زمان، دیگر امکان انجام آن هدف نبود. این نظر با این دیدگاه که اعتبار ایجاب، تا زمانی که شرایط، متعارف به نظر بیاید ادامه پیدا می‌کند، منطبق است. باینکه بیان شده که ایجاب عمومی می‌تواند با انقضای مدت متعارف زائل شود، به نظر می‌رسد که اینجا هیچ رجوع مناسبی از ایجاب وجود ندارد بلکه صرفاً انقضای زمان ایجاب عام وجود دارد که می‌تواند برای هر پیشنهاد دیگری نیز اتفاق بیافتد. در پرونده *Shaub v. City of Lancaster* انقضای مدت بعد از آخرین اعلام جایزه، ۱۰ سال بود. در پرونده *Mitchell v. Abbott*^{۷۹} مقرر شد که ۱۲ سال یک زمان متعارف است و در پرونده *Loring v. Boston*^{۸۰} دادگاه تشخیص داد که مدت سه سال و هشت ماهه از «عدم ادامه انتشار ایجاب»،^{۸۱} آن را زائل می‌کند.^{۸۲}

76. 178 Ind. 164, 98 N.E. 868, 869 (1912).

77. 180 Mo. App. 70, 165 S.W. 1135 (1914).

78. 156 Pa. 362, 26 At. 1067, 1069 (1893).

79. 86 Me. 338, 29 At. 1118, 1119 (1894).

80. 48 Mass. (7 Met.) 409 (1844).

81. Discontinuance of the publication of the offer

د. رجوع از ایجاب الکترونیکی

شورای مشورتی کنوانسیون وین در سال ۲۰۰۳ ذیل بند ۱ ماده ۱۶ چنین مقرر داشت: «اصطلاح reaches اشاره به زمانی دارد که یک ارتباط الکترونیکی وارد سرور مخاطب شود. از ایجاب می‌توان رجوع کرد مشروط بر اینکه اعلامیه رجوع، قبل از اینکه مخاطب، قبولی را ارسال کند، به سیستم الکترونیکی وی وارد شود. لازم است که مخاطب به‌نحو صریح یا ضمنی به دریافت ارتباط الکترونیکی از آن نوع، در آن فرمت و در آن نشانی راضی باشد».^{۸۳}

ه. اثر رجوع فاقد اثر

رجوع بعد از ارسال قبولی، فاقد اثر است (ماده (۱) ۱۶ ک)، هرچند طبق کنوانسیون، قرارداد زمانی منعقد می‌شود که قبولی به‌موجب واصل شود (ماده ۲۳ ک). بنابراین در کنوانسیون، انعقاد عقد، معلق به وصول قبولی به موجب است. اگر قبولی هرگز به مقصد خود نرسد، تبعاً قراردادی نیز شکل نخواهد گرفت، مگر اینکه مورد از موارد مندرج در ماده (۳) ۱۸ باشد که ضرورتی ندارد قبولی به موجب واصل شود. باوجود این، موجب نمی‌تواند به‌طور نامحدود ایجابش را ننگه‌دارد. اگر وی هیچ زمانی را برای انقضای ایجابش نگذارد، این محدوده زمانی می‌تواند با تفسیر ایجاب، وفق ماده ۸ کنوانسیون تعیین شود. در مواردی ممکن است این مدت، وفق جمله دوم ماده (۲) ۱۸ کنوانسیون^{۸۴} تعیین شود.^{۸۵}

و. بار اثبات دلیل

مخاطب باید اثبات کند که قبولی‌اش قبل از رسیدن رجوع ارسال شده است. از آن طرف نیز، موجب باید زمانی را اثبات کند که رجوع به مخاطب واصل می‌شود.^{۸۶} یک خریدار اسلواکی سفارش کالا را به یک فروشنده استرالیایی فرستاد. فروشنده استرالیایی، قبولی ایجاب را در ۸ اکتبر ۱۹۹۹ تأیید کرد. در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۹ خریدار، اعلامیه حاوی رجوع از

82. Wagner, W. J., Some Problems of Revocation and Termination of Offers, *Notre Dame Lawyer*, vol. 38, No. 2, 1962, pp. 144-145.

83. CISG-Advisory Council Opinion No. 1, Electronic Communications under CISG (Aug. 15, 2003), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/CISG-AC-op1.html>.

۸۴. جمله دوم بند ۲ ماده ۱۸ ک: «... هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که ایجاب‌کننده تعیین کرده یا در صورت عدم تعیین مدت، ظرف مدت متعارف به وی واصل نشود، قبول نافذ نخواهد بود. در محاسبه مدت متعارف، به اوضاع و احوال معامله، از جمله به سرعت وسایل ارتباطی مورد استفاده ایجاب‌کننده، توجه لازم معطوف خواهد شد. ایجاب شفاهی باید فوری قبول شود مگر اینکه اوضاع و احوال به‌نحو دیگری دلالت نماید».

85. Schlechtriem, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods*, p. 120.

86. *Ibid.*

ایجاب را به فروشنده فرستاد. مبیع مورخ ۱۲ اکتبر به حامل تحویل داده شده بود. خریدار، با این ادعا که از ایجابش رجوع کرده است، قبل از اینکه به او ابلاغ شود که کالاها به عامل حمل‌ونقل سپرده شده است، ثمن را پرداخت نکرد. فروشنده نزد دادگاه بدوی دعوی مطالبه ثمن را مطرح کرد. دادگاه مقرر داشت که رجوع خریدار، هیچ اثر قانونی ندارد زیرا فروشنده قبلاً تمام تعهدات قراردادی‌اش را انجام داده بود. خریدار درخواست پژوهش کرد. دادگاه تجدیدنظر، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را بر این مرافعه حاکم دانست. دادگاه استیناف با توجه‌دادن طرفین به ماده (۱) ۱۶ کنوانسیون مقرر داشت که از ایجاب می‌توان رجوع کرد مشروط بر اینکه قبل از ارسال قبولی، رجوع به مخاطب برسد. فروشنده در ۱۴ اکتبر، اعلامیه رجوع را دریافت کرد یعنی زمانی که وی در ۸ اکتبر قبولی‌اش را ارسال کرده بود و حتی بعد از آن با ارسال مبیع، تعهداتش را طبق قرارداد اجرا کرد. لذا نظر دادگاه بدوی تأیید می‌شود و رجوع خریدار، هیچ مبنای قانونی ندارد.^{۸۷}

در این دعوا مخاطب ایجاب باید اثبات می‌کرد که قبولی قبل از وصول رجوع به وی ارسال شده است (فروشنده باید تاریخ ۸ اکتبر را به‌عنوان تاریخ ارسال قبولی اثبات کند). از طرف دیگر، موجب نیز برای گرفتن حکم باید در صدد باشد تا اثبات کند که رجوعش قبل از ارسال قبولی به مخاطب رسیده است (امری که خریدار اسلواکی در این پرونده نتوانست آن را اثبات کند).

۳-۴. محدودیت‌های رجوع از ایجاب (ماده (۲) ۱۶ کنوانسیون)

پاراگراف ۲ ماده ۱۶ بر قاعده عدم رجوع از ایجاب مبتنی است. این پاراگراف، حالاتی را بیان می‌کند که برخلاف قاعده مندرج در پاراگراف ۱ موجب نمی‌تواند از ایجابش رجوع کند.

رجوع موجب بعد از ارسال قبول مخاطب - اولین محدودیت برای رجوع از ایجاب، گسیل داشتن (ارسال) قبولی از جانب مخاطب برای موجب بود. این حالت در پاراگراف ۱ ماده ۱۶ بیان شده بود که در آن صورت نیز رجوع موجب بلااثر است. ملاحظه شد که ارسال قبولی، ایجاب فی‌نفسه قابل‌رجوع را به ایجابی غیرقابل‌رجوع بدل می‌کند. ارسال قبول از موارد سقوط حق رجوع موجب به حساب می‌آید. لذا اگر مخاطب، قبولی را ارسال کرده باشد حتی اگر این قبولی به موجب واصل نشده باشد (= حتی اگر قراردادی منعقد نشده باشد)، موجب باید به ایجاب خود ملتزم بماند و اعلامیه رجوع، فاقد اثر است.

هانولد^{۸۸} معتقد است «قلب ماده ۱۶، پاراگراف ۲ است که قاعده کلی مندرج در پاراگراف ۱ را در دو مورد قطع می‌کند»:

87. Slovenia 9 April 2008 Higher Court [Appellate Court] in Ljubljana [Cite as: <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/080409sv.html>]; Case law on UNCITRAL texts [A/CN.9/SER.C/ABSTRACTS/118], CLOUT abstract no. 1151.

88. Honnold, *op. cit.*, p. 160.

الف. اگر ایجاب دلالت داشته باشد که خواه با تعیین موعد معین برای قبول یا به‌نحو دیگر، غیرقابل‌رجوع است؛ و

ب. اگر برای مخاطب، اتکای به ایجاب به‌عنوان ایجاب غیرقابل‌رجوع، معقول بوده و مخاطب به اتکای آن نیز عمل کرده باشد.

گرچه ممکن است به نظر رسد که پاراگراف‌های (الف) و (ب) دو استثنای مختلف را بیان می‌کنند، درواقع بیانگر یک استثنای مشابه هستند. پاراگراف (الف) به زبان حقوق نوشته و پاراگراف (ب) به زبان حقوق کامن‌لا بیان شده است.^{۸۹}

این نکته نیز قابل ذکر است که طبق کنوانسیون برخلاف کامن‌لا،^{۹۰} برای اینکه التزام به بقای ایجاب معتبر باشد، لازم نیست موجب در برابر آن، عوضی^{۹۱} از مخاطب دریافت کند. صرف التزام برای بقای آن کافی است.^{۹۲}

الف. تعهد به عدم رجوع از ایجاب (ماده (۲) ۱۶ (الف))

مثال ۱. در ایجابی درج شده است که ایجاب مزبور تا تاریخ ۳۱ مارس برای قبولی باز است. این ایجاب در تاریخ ۱ مارس به مخاطب می‌رسد.

ایجاب فوق، حاوی موعد معین برای قبولی است. لذا موجب بیان می‌کند تا تاریخ مزبور، ایجابش غیرقابل‌رجوع است و تا زمانی که تاریخ ۳۱ مارس منقضی نشده است، موجب نمی‌تواند از ایجاب عدول کند.

مثال فوق که بیان‌کننده قاعده مندرج در بند (الف) ماده (۲) ۱۶ است دو شرط را برای غیرقابل‌رجوع بودن ایجاب بیان می‌کند:

۱. ایجاب، بیانگر این نکته باشد که غیرقابل‌رجوع است، و
۲. ایجاب، مدت معینی را برای قبول مخاطب بیان کند.

(۱) تأثیر زمان تعیین شده برای قبول

سؤالی مطرح می‌شود و آن اینکه آیا برای غیرقابل‌رجوع بودن ایجاب، جمع هم‌زمان هر دو شرط، ضروری است یا اینکه وجود هریک از این دو شرط برای غیرقابل‌رجوع بودن ایجاب کفایت

۸۹. بیانکا و بونل؛ همان، ص ۲۱۶.

۹۰. وفق موازین کامن‌لا، به‌ویژه حقوق انگلستان، ایجابی که حاوی مدت معین برای قبول است، قابل‌رجوع است مگر اینکه برای عدم رجوع، تضمیناتی گرفته شود یا عوض دریافت شود یا علاوه بر تعیین مدت، بر عدم رجوع، تأکید خاص شود.

91. Consideration

۹۲. صفایی و همکاران، همان، ص ۴۲؛ 32، p. *op. cit.*, Malik.

می‌کند؟^{۹۳} مثال‌های زیر، وضعیت این سؤال را بهتر تشریح می‌کند:

مثال ۲. ایجابی حاوی بیانیه زیر است: ایجاب برای شما باز eeeen نگه داشته می‌شود اگر شما به‌طور سریع پاسخ دهید.

مثال ۳. ایجابی حاوی بیانیه زیر است: ایجاب در تاریخ ۳۱ مارس منقضی خواهد شد.

مثال ۲ بیان می‌کند که ایجاب غیرقابل‌رجوع است اما مدت معینی را مشخص نمی‌کند. درحالی‌که در مثال ۳ ایجاب، مدت معینی را بیان می‌کند و به‌وضوح بیان نمی‌کند که ایجاب غیرقابل‌رجوع است. مثال ۲ بیانگر خصوصیت «ایجاب ملزم» است درحالی‌که مثال ۳ بیانگر خصوصیت «ایجاب منقضی‌شده» است.^{۹۴}

سونو سؤال فوق را با مثالی بیان می‌کند: «اگر من قبولی شما را تا ۱۵ سپتامبر دریافت نکردم، ایجاب منقضی می‌شود». اگر طرفین قرارداد، هر دو متعلق به سیستم حقوقی مدون یا هر دو متعلق به سیستم حقوقی کامن‌لا باشند مشکل چندانی در تفسیر قصد آن‌ها بروز نمی‌کند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که به سیستم‌های حقوقی مختلف تعلق داشته باشند. ممکن است حقوق‌دانان حقوق نوشته، از جمله فوق چنین برداشت کنند که چنین ایجابی تا ۱۵ سپتامبر غیرقابل‌رجوع است و بعد از آن نیز بالتبع منقضی می‌شود. ممکن است حقوق‌دانان کامن‌لا از این جمله چنین برداشت کنند که ایجاب تا ۱۵ سپتامبر قابلیت رجوع را دارد؛ بالتبع بعد از ۱۵ سپتامبر ایجاب منقضی می‌شود.^{۹۵} در کنوانسیون، در وضعیت‌های مشابه مثال ۲ که عدم رجوع از ایجاب به اندازه کافی روشن است، رجوع نافذ نیست.

درمورد انقضای ایجاب در زمان معین، مشکلات بیشتری بیان شد. این موضوع در طول جلسات شور آنسیترال و همین‌طور در شروح حاشیه‌نویسان کنوانسیون، یک مسئله جدی و مباحثه‌آمیز بوده است.^{۹۶}

فلثام اشاره می‌کند که برعکس کامن‌لا، جایی که بیانیه ایجاب، حاوی یک زمان معین، صرفاً برای قبولی است، این بیانیه، حاکی از یک زمان است که در پایان آن زمان معین، ایجاب منقضی خواهد شد بدون اینکه در آن بازه زمانی، برای رجوع از ایجاب، ایجاد مانع کند. زمان معین برای قبولی عموماً حاکی از این است که ایجاب در آن مدت غیرقابل‌رجوع است.^{۹۷} نویسنده دیگری نیز بیان می‌کند که ذکر مدت برای انقضای قبولی می‌تواند بیانگر قصد التزام

93. See, Honnold, *op. cit.*, p. 161; Malik, *op. cit.*, p. 32.

94. Honnold, *op. cit.*, p. 168.

95. Kritzer, *op. cit.*, p. 166.

96. Malik, *op. cit.*, p. 33.

97. Feltham, J. D., UN Convention on Contracts for International Sale of Goods, *Journal of Business Law*, 1981, p. 346.

موجب به عدم رجوع از ایجاب باشد.^{۹۸}

اما از سوی دیگر، هانولد، گویا بی‌میل است تا چنین ایجابی را الزام‌آور بداند.^{۹۹} چنین رویکردهای مبهم و غیرقاطع، از مذاکرات آنسیترال نشأت گرفته است. در مذاکرات آنسیترال نیز در مورد این سؤال، دو دیدگاه بین جبهه کامن‌لا و جبهه رومی ژرمنی مطرح شد: کشورهای کامن‌لا معتقد بودند که صرف ذکر مدت برای قبولی نمی‌تواند منتج شود به اینکه چنین ایجابی غیرقابل‌رجوع است.^{۱۰۰} کشورهای رومی ژرمنی معتقدند که اگر ایجاب، حاوی مدت معین برای قبولی باشد، چنین ایجابی به‌طور خودکار غیرقابل‌رجوع خواهد بود.^{۱۰۱}

به نظر می‌رسد که راه‌حل مصالحه‌ای^{۱۰۲} که در مذاکرات کنوانسیون در پیش گرفته شد، بهترین راه‌حل باشد. این راه‌حل مقرر می‌دارد که «اگر ایجاب حاکی از این باشد، اعم از اینکه زمان معینی را مقرر دارد» برای حقوق‌دانان حقوق نوشته، چنین الفاظ و واژگانی بدین معناست که در اثناء زمان تعیین شده برای قبول، نمی‌توان از ایجاب عدول کرد. از طرف دیگر، برای حقوق‌دانان حقوق نوشته معنی این عبارت این است که فقط در صورتی ایجاب غیرقابل‌رجوع است که دوره زمانی معینی را برای قبول وضع کند، به نحوی که حاکی از این باشد که آن ایجاب، غیرقابل عدول است.^{۱۰۳}

اِئورسی در جای دیگر می‌گوید: «روش اصلی برای ایجاد سازگاری و هماهنگی این است که راه‌حل یک سیستم حقوقی به‌عنوان قاعده اصلی و راه‌حل سیستم حقوقی دیگر به‌عنوان استثنا در کنار آن به کار رود. این امر می‌تواند بهترین شیوه ممکن باشد».^{۱۰۴} بر اساس حقوق کامن‌لا، ایجابی که در آن، زمان معینی برای قبول، مشخص شده، قابل عدول است مگر اینکه در سند تنظیم شده یا در مقابل عوضی باشد و نیز در صورتی که عدم قابلیت عدول، علاوه بر ذکر مدت معین، تصریح شود. پس قاعده مندرج در بند ۱ حکم، مورد قبول کامن‌لا است. قاعده مندرج در بند ۲ حکم، مورد قبول کشورهای دارای قانون مدنی است. بر این اساس باید گفت ذکر مدت معین، ایجاب را غیرقابل عدول می‌کند مگر اینکه ذکر خلاف شود.^{۱۰۵}

دیدگاه منتخب - به نظر نگارندگان، اصولاً تعیین مدت برای قبول، با التزام به ایجاب

98. Date Bah, S. K., UN Convention for Contracts for Sale of Goods: Overview, *Rev. Ghana. L.*, vol. 11, pp. 57-58; See, Malik, *op. cit.*, 1979, p. 33.

99. Honnold, *op. cit.*, p. 171.

100. UNCITRAL Yearbook, 1978, vol. IX, p. 41, paras. 135-6.

مشروح مذاکرات در فایل زیر، مندرج در سایت آنسیترال، قابل مشاهده است:

http://www.uncitral.org/pdf/english/yearbooks/yb-1978-e/yb_1978_e.pdf

101. *Ibid.*, para. 137, also see, Kritzer, *op. cit.*, p. 165.

102. Compromise-rule solution

۱۰۳. بیانکا و بونل؛ همان، صص ۲۱۷-۲۱۸.

104. See, Eörsi, *op. cit.*, 323.

۱۰۵. قنوتی، جلیل؛ مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳، ص ۲۸۵.

ملازمه ندارد. تعیین مدت برای قبول، مرادف و مساوی با التزام به حفظ ایجاب در مدت مقرر نیست. تعیین مدت معین برای قبول، اماره‌ای^{۱۰۶} برای التزام به حفظ ایجاب محسوب می‌شود. شرح رسمی اصول یونیدروا (۲۰۱۰) نیز همین نظر را پذیرفته است: «تعیین زمانی معین برای قبولی می‌تواند به‌خودی‌خود، دلالتی ضمنی بر غیرقابل‌رجوع بودن ایجاب داشته باشد، اما ضرورتاً چنین نیست». در عمل نیز محاکم و داوران، برای حل اختلافات تجاری از کامنت‌های اصول یونیدروا در تفسیر موارد میهم کنوانسیون استفاده می‌کنند زیرا کنوانسیون، شرح رسمی همچون اصول یونیدروا ندارد.^{۱۰۷} همان طور که ملاحظه شد، الفاظ کنوانسیون، صراحتی در این مورد ندارد. لیکن از ماده (۲)۱۶(الف) چنین استنباط می‌شود که از نظر کنوانسیون، تعیین مدت، اماره التزام به حفظ ایجاب در مدت معین است که خلاف این اماره همواره قابل اثبات است. به هر تقدیر در صورت عدم اثبات خلاف، تعیین مدت معین برای قبول، دال بر التزام موجب به بقای ایجاب در آن مدت است.^{۱۰۸} مالک نیز در مقاله محققانه خود بعد از طرح نظریات مختلف، چنین نتیجه می‌گیرد که «ایجاب حاوی مدت معین برای قبول، اگر به‌صراحت، قیدی مبنی بر ذکر مدت به‌عنوان انقضای ایجاب نداشته باشد، می‌تواند به‌عنوان ایجاب غیرقابل‌رجوع تفسیر شود».^{۱۰۹}

شخصت‌پریم معتقد است اینکه آیا یک بیانیه یا رفتار، بیانگر قصد موجب به عدم رجوع از ایجاب است یا خیر باید مطابق با ماده ۸ کنوانسیون تشخیص داده شود. در هر پرونده باید با توجه به حقایق آن پرونده تصمیم‌گیری کرد. استفاده از کلماتی از قبیل «غیرقابل‌رجوع» و «الزام‌آور» می‌تواند قویاً به ایجاب غیرقابل‌رجوع اشعار داشته باشد.^{۱۱۰} وی ادامه می‌دهد که صرف درج زمان معین برای قبولی به معنای الزام‌آور کردن ایجاب نیست بلکه می‌تواند به‌عنوان اماره مبنی بر التزام به ایجاب تلقی شود.^{۱۱۱} سونو نیز می‌گوید: «تعیین مدت برای قبولی، صرفاً خالق فرض و اماره قابل رد مبنی بر عدم رجوع از ایجاب است».^{۱۱۲}

مثال ۴. ایجابی حاوی بند زیر است: «من انتظار جواب قبول را تا ۳۱ مارس دارم» یا «من قدردان شما هستم به‌خاطر پاسخ قبل از ۳۱ مارس».

106. Presumption

107. Garro, A. M., The Gap-Filling Role of the UNIDROIT Principles in International Sales Law: Some Comments on the Interplay between the Principles and the CISG, *Tul. L. Rev.*, vol. 69, 1995, p. 1149; Mather, H. (2001). Firm Offers under the UCC and the CISG, *Dick. L. Rev.*, vol. 105, p. 46.

۱۰۸. ن.ک: صفایی و همکاران؛ همان، ص ۴۵.

109. Malik, *op. cit.*, p. 36.

110. Schlechtriem, P., Schwenzler, I., *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, NY: Oxford, 2nd (English) Edition, Art. 16 para. 8, 2005; Bernstein, H., Lookofsky, J. M., *Understanding the CISG in Europe*, Kluwer Law International, 1st Edition, 2003, p. 54.

111. Schlechtriem & Schwenzler, *op. cit.*, Art. 16 para. 10.

112. Sono, K., Restoration of the Rule of Reason in Contract Formation: Has There Been Civil and Common Law Disparity, *Cornell Int'l L.J.*, vol. 21, 1988, pp. 479-480.

در وضعیت‌های مشابه، جایی که زمان، صریحاً مبین انقضای مدت ایجاب نیست (برخلاف مثال ۳)، چنین ایجابی ممکن است به‌عنوان ایجاب غیرقابل‌رجوع محسوب شود. علاوه بر بحث‌های فوق، در وضعیت‌های مبهم، معیار مندرج در ماده (۲) ۱۶(ب) نیز می‌تواند اعمال شود. اگرچه پاراگراف (ب) بند ۲ ماده ۱۶ در مورد خاص خود اعمال می‌شود، لیکن «معیار اتکا»^{۱۱۳} می‌تواند به‌عنوان ابزار مفید در تشخیص عدم قابلیت رجوع مندرج در پاراگراف (الف) بند ۲ باشد.^{۱۱۴}

۲) اعتبارات اسنادی غیرقابل‌برگشت

یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد بحث حاضر به اعتبارات اسنادی غیرقابل‌رجوع^{۱۱۵} ارتباط دارد. اعتبارات اسنادی، متداول‌ترین شیوه پرداخت قیمت کالا در تجارت صادراتی است. قضاات انگلیسی، اعتبارات اسنادی غیرقابل‌برگشت را خون حیات بازرگانی می‌دانند.^{۱۱۶} اعتبارات اسنادی از این جهت که آیا بانک گشاینده اعتبار^{۱۱۷} می‌تواند پس از گشایش اعتبار و بدون نظر ذی‌نفع نسبت به تعدیل و اصلاح آن اقدام کند به دو دسته تقسیم می‌شود: اعتبار اسنادی قابل‌برگشت و اعتبار اسنادی غیرقابل‌برگشت. اعتبار اسنادی غیرقابل‌برگشت به اعتباری اطلاق می‌شود که بانک گشاینده به‌صورت غیرقابل‌رجوع، تعهد به پرداخت می‌کند و نمی‌تواند بدون رضایت قبلی و مکتوب ذی‌نفع در مدت اعتبار، آن را لغو یا در شرایط آن اصلاحاتی به عمل آورد.^{۱۱۸}

ممکن است صادرکنندگان و واردکنندگان در عرصه تجارت بین‌الملل، با تجاری وارد معامله شوند که اعتبار تجاری آن‌ها برایشان شناخته‌شده نباشد. ممکن است خریدار از پرداخت قیمت کالا عاجز مانده باشد، همین‌طور بایع نیز ممکن است از فراهم‌کردن یا تولید کالا بدون اخذ تضمین معتبر برای پرداخت ثمن، اظهار عجز کند.^{۱۱۹}

ابزار مالی اعتبارات اسنادی غیرقابل‌برگشت در راستای رفع مشکلات فوق، در طی سه مرحله، به شرح ذیل می‌تواند به کار رود:

۱. به‌موجب شرط ضمن قرارداد پایه بیع، فروشنده و خریدار با یکدیگر توافق می‌کنند که

113. Reliance criterion

114. Malik, *op. cit.*, p. 36.

115. Irrevocable letter of credit, or ILOC

۱۱۶. اشمیتوف، کلایو. ام؛ حقوق تجارت بین‌الملل، جلد ۲، ترجمه: بهروز اخلاقی و همکاران، سمت، ۱۳۷۸، ص ۶۱۱.

117. Issuing bank

۱۱۸. شیروی، عبدالحسین؛ حقوق تجارت بین‌الملل، سمت، ۱۳۸۹، صص ۲۵۴-۲۵۳.

119. Davis, A. G., *The Law Relating to Commercial Letters of Credit*, London: Sir Isaac Pitman & Sons, 3rd Edition, 1963; Ellinger, E. P., *Documentary Letters of Credit*, Singapore: University of Singapore Press, 1st Edition, 1970.

پرداخت به شیوه اعتبارات اسنادی باشد. خریدار از بانک خود (بانک گشاینده اعتبار) درخواست می‌کند تا اعتباری به نفع فروشنده (ذی‌نفع اعتبار) گشایش کند. این اعتبار باید برای مدت معین به نحو غیرقابل برگشت باشد.

۲. خریدار، توافقی با بانک گشاینده اعتبار منعقد می‌کند که طبق آن، بانک متعهد می‌شود تا چنین اعتباری را در عوض تعهد خریدار به بازپرداخت هزینه‌ها به بانک، گشایش کند.

۳. بانک گشاینده اعتبار به فروشنده (ذی‌نفع اعتبار)، اطلاع می‌دهد که اعتبار غیرقابل برگشتی به نفع او گشایش شده است و اکنون آمادگی دارد تا بعد از تحویل اسناد حمل، برات او را منتقل، قبول یا پرداخت کند.^{۱۲۰}

طبق ماده ۳ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (موسوم به UCP600) «اعتبار برگشت‌ناپذیر تلقی می‌شود، حتی اگر اشاره‌ای به این موضوع نشده باشد».^{۱۲۱} مطابق UCP600 برخلاف مقررات پیشین خود مثل UCP500، در حال حاضر، اعتبارات اسنادی قابل برگشت به واسطه استفاده محدود و همچنین خطرات بسیاری که برای بایع دارد،^{۱۲۲} حذف شده‌اند و اصل بر غیرقابل برگشت بودن (لزوم) اعتبارات اسنادی است.^{۱۲۳}

اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت می‌تواند در قالب ایجاب پرداخت توصیف شود، مشروط بر اینکه فروشنده، اسناد درخواستی را ارائه کند. رویه تجارت بین‌الملل نیز این ایجاب بانک را ایجاب ملزم می‌داند.^{۱۲۴} مطابق این تحلیل، قبول این ایجاب، از طریق رضای عملی فروشنده (ذی‌نفع اعتبار) است.

در حقوق فرانسه، تعیین مهلت برای اعلام قبول، ایجاب را غیرقابل عدول نمی‌کند بلکه موجب در صورت عدول غیرموجه از ایجاب در برابر مخاطب ایجاب، مقصر شمرده شده و با مسئولیت مدنی مواجه خواهد شد. طبق قوانین مدنی بعضی دیگر از کشورها مثل ایتالیا، چنانچه برای اعلام قبول، مهلتی تعیین شده باشد، ایجاب قابل عدول نیست. لازم به ذکر است که اگرچه در اعتبار

120. Furmston, M. P., *Cheshire, Fifoot and Furmston's Law of Contract*, London: Butterworths, 12th Edition, 1991, p. 61.

۱۲۱. اداره عملیات ارزی و روابط بین‌الملل، تفسیری بر UCP600، انتشارات بانک سپه، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

۱۲۲. از جمله خطرات استفاده از اعتبار اسنادی قابل برگشت برای فروشنده این است که ممکن است پس از تهیه مبیع یا حتی پس از تسلیم مبیع به عامل حمل و نقل، خریدار یا بانک نسبت به لغو یا اصلاح اعتبار اسنادی اقدام کند. اعتبار قابل برگشت، از سوی بانک گشاینده در هر آن و بدون اطلاع قبلی به ذی‌نفع، اصلاح یا لغو شود.

See, Megrah, M., Risk Aspects of the Irrevocable Documentary Credit, *Arizona Law Review*, vol. 24, No. 2, 1982, p. 255.

۱۲۳. قبل از تصویب UCP600، اعتباری که در آن شرط خلافی نشده باشد، قابل برگشت (جایز) محسوب می‌شد. با وجود این اصل، در عمل اعتبارات قابل برگشت به طور وسیع، مقبول تجار قرار نگرفت.

124. Furmston, *op. cit.*, p. 61; Kozolchik, B., The Legal Nature of the Irrevocable Commercial Letter of Credit, *The American Journal of Comparative Law*, vol. 14, 1965, p. 403.

اسنادی، بانک‌ها همواره مهلتی را برای اعتبار تعیین می‌کنند، این مهلت بیانگر تاریخی است که در آن تعهد بانک منقضی می‌شود نه آنکه طی آن ایجاب، معتبر و غیرقابل عدول باشد.^{۱۲۵}

ب. اعتماد مخاطب بر بقای ایجاب (ماده (۲)۱۶(ب))

پاراگراف (ب) ماده (۲)۱۶ وضعیتی را بیان می‌کند که ممکن است ایجاب قابل رجوع، ایجابی غیرقابل رجوع تلقی شود. ممکن است ایجابی که هیچ قیدی در مورد عدم قابلیت رجوع یا زمان معین برای قبولی ندارد، غیرقابل رجوع شود مشروط بر اینکه: اولاً، تکیه مخاطب بر ایجاب به‌عنوان ایجاب غیرقابل رجوع، امری معقول، مستدل و منطقی باشد؛ و

ثانیاً، مخاطب بر همان اساس و به اتکای آن ایجاب، عملی کرده باشد.

برای اینکه ایجابی مطابق ماده (۲)۱۶(ب) کنوانسیون ملزم شمرده شود، جمع شرایط دوگانه فوق ضروری است. لذا اعتماد بر ایجاب، فی‌نفسه کافی نیست.^{۱۲۶} البته باید توجه داشت که عمل کردن (شرط دوم) تنها به مفهوم انجام دادن یک فعل یا کار نیست بلکه ترک فعل را نیز شامل می‌شود، مانند عدم درخواست ایجاب دیگر توسط مخاطب.^{۱۲۷}

پاراگراف (ب) ماده (۲)۱۶ کنوانسیون به قاعده استاپل که ریشه در کامن‌لا دارد بسیار شبیه است.^{۱۲۸} استاپل مانعی است که شخص را از انکار یا ادعای هر چیز متضاد با آنچه از نظر حقوق

۱۲۵. بناء نیاسری، ماشاءالله؛ جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بین‌المللی: مطالعه‌ای تطبیقی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۸.

۱۲۶. بیانکا و بونل؛ همان، ص ۲۱۹.

127. Mather, *op. cit.*, p. 49.

128. An arbitrator in Austria, cited Article 16(2)(b) as further support for recognition that the principle of estoppel, although not addressed expressly in the convention, is incorporated by the good faith provision of Article 7(1). See Internationales Schiedsgericht der Bundeskammer der gewerblichen Wirtschaft [Arbitral Tribunal], SCH - 4318, Jun. 15, 1994, (Aus.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/940615a4.html>. An American court has declared that it preempts domestic promissory estoppel: *Geneva Pharmaceuticals Technology Corp v. Barr Laboratories Inc*, Federal DC (NY), 10 May 2002 (US), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/020510u1.html>.

در دعوی معروف *Geneva Pharmaceuticals Technology Corp v Barr Laboratories Inc*، خواننده کانادایی یک ترکیب شیمیایی (کلاتریت) برای استفاده در تولید یک داروی ضد انعقاد خون (وارافین سدیم) ساخت. در سال ۱۹۹۴ خواننده برای خواهان که یک شرکت امریکایی بود، نمونه‌ای از مواد تشکیل‌دهنده را فراهم و تأیید کرد که به درخواست خواهان، مجوز سازمان غذا و داروی امریکا (FDA) را می‌گیرد. در سال ۱۹۹۵، خواننده با صدور نامه‌ای به FDA عنوان کرد که وی فراهم‌کننده کلاتریت برای خواهان است. بعدها در سال ۱۹۹۵، خواننده، قرارداد محرمانه برای عرضه انحصاری مقادیر تجاری از کلاتریت به شخص ثالث منعقد و اجرا کرد. اگر خواننده به فروش مقادیر تجاری کلاتریت به خواهان ادامه می‌داد، این قرارداد انحصاری نقض می‌شد. وقتی خواهان مجوز تولید دارو را در سال ۱۹۹۷ دریافت کرد، وی سفارش تهیه و خرید مقادیر تجاری از ماده شیمیایی کلاتریت را به خواننده ارسال کرد. اما خواننده این سفارش را رد کرد.

خواهان طبق کنوانسیون، طرح دعوا کرد و مدعی شد که به‌موجب مقررات کنوانسیون وین، وی قراردادی با خواننده برای

به‌عنوان واقعیت محرز شده است، ممنوع می‌کند. اگر اعتماد مخاطب به‌طور معقول و متعارف برای موجب قابل‌پیش‌بینی نباشد، دادرس می‌تواند مقرر دارد که اتکای مخاطب بر غیرقابل‌رجوع بودن ایجاب، بی‌دلیل و نامتعارف است. از این‌رو، دادرس می‌تواند «اعتماد و اتکای» مخاطب را به معنای «اعتماد و اتکای توأم با ضرر» تلقی و تفسیر کند.^{۱۲۹} مثال‌های زیر گویای مطلب است:

مثال ۱. مورخ ۱ مه، یک شرکت خانه‌سازی (مخاطب) از یک تولیدکننده مصالح (موجب)، درخواست ارائه ایجابی برای فروش مقدار مشخصی آجر را می‌کند. شرکت سازنده، توضیح می‌دهد که وی این ایجاب را به‌منظور استفاده در محاسبات یک مزایده در قراردادی ساخت

فروش مقادیر تجاری از کلاتریت دارد و خواننده با امتناع از عرضه ماده شیمیایی کلاتریت پس از اخذ مجوز دارو از FDA، قرارداد را نقض کرده است. خواهان استدلال می‌کند که با توجه به عرف صنعت، مقدار کافی از کلاتریت برای حمایت از درخواست FDA قراردادی برای عرضه دارو در آتیه را فراهم می‌کند. خواهان همچنین مدعی است که خواننده باید طبق دکترین *استاپل* تحت قانون ایالت نیویورک مسئول باشد. خواهان ادعا می‌کند که «همان‌تس از تعهد» (دکترین استاپل) بر اساس قانون‌های داخلی مناسب به انحصار در نیامده است و با کنوانسیون تضاد ندارد.

دادگاه مقرر داشت که با توجه به بندهای قرارداد، این دعوی تجاری باید مطابق با کنوانسیون تصمیم‌گیری شود. دادگاه مقرر کرد که اصل حسن‌نیت در تجارت بین‌المللی (مذکور در ماده (۱) کنوانسیون)، متضمن رویکرد لیبرال برای تشکیل قرارداد و تفسیر و ترجیح برای اجرای تعهدات است. در واقع، همان‌طور که در ماده ۹ کنوانسیون بیان شده، عرف و رسوم صنعت فروش این ماده شیمیایی در قرارداد به ثبت رسیده است، مگر اینکه طرفین، این عرف و رسوم را در متن قرارداد به‌صراحت حذف کرده باشند. بنابراین دادگاه با این استدلال خواهان موافقت کرد که عرف و عادت صنعت باید در دادگاه به‌منظور تعیین اینکه آیا یک قرارداد وجود داشته تجزیه و تحلیل شود.

دادگاه، عناصر و ارکان ایجاب، قبول، اعتبار و اجرای مربوط به موضوع تشکیل قرارداد تحت کنوانسیون را بررسی کرد. دادگاه تشخیص داد که موضوع قرارداد تهیه و تدارک مقادیر تجاری کالا طبق ماده ۱۴ کنوانسیون به اندازه کافی مشخص بوده است. در مورد قبول، دادگاه تشخیص داد که طبق ماده (۳) ۱۸ نامہ ارجاع به FDA می‌تواند به‌عنوان عمل و رفتار حاکی از رضا (قبول فعلی) تعبیر شود. اینکه آیا این رفتار خواننده، در واقع امر، نشان‌دهنده رضا به قرارداد است یا خیر، در جلسه دادگاه بر اساس عرف صنعت، تجزیه و تحلیل می‌شود.

دادگاه همچنین استدلال خواننده را مبنی بر بی‌اعتباری قرارداد به دلیل فقدان عوض بررسی کرد. دادگاه مقرر داشت که به‌موجب ماده (۱) ۴ کنوانسیون، «اعتبار قرارداد» طبق قانون ملی که بر اساس قواعد حل تعارض تعیین می‌شود، بررسی شود. دادگاه بر اساس مبانی حل تعارض، قانون نیوجرسی را حاکم بر قضیه اعتبار قرارداد دانست. با اعمال قانون نیوجرسی، دادگاه مقرر داشت که عوض بر اساس حقایق مورد اختلاف در این قضیه کافی است. دادگاه همچنین ادعای خواننده را مبنی بر اینکه خواهان در اجرای قرارداد قصور کرده است، رد کرد. دادگاه بیان کرد که طبق ماده ۶۰ (الف) کنوانسیون، قصور خواهان در دادن اطلاع متعارف تجاری، به خواننده اجازه نمی‌دهد که به قرارداد خاتمه دهد.

در مورد امکان ادعا بر اساس قاعده *استاپل*، دادگاه ابتدا اشاره کرد که چنین قاعده‌ای متفاوت از ماده (۲) ۱۶ (ب) کنوانسیون، است به‌گونه‌ای که لازم نیست اتکای مخاطب به بقای ایجاب به‌طور صریح بیان شود. همین اندازه که اتکای مخاطب به بقای ایجاب، برای موجب قابل‌پیش‌بینی باشد کفایت می‌کند.

See, Schwenzler & Fountoulakis, *op. cit.*, p. 149; Schlechtriem, P., Butler, P., *UN Law on International Sales*, Berlin: Springer Pub, 1st Edition, 2009, p. 74.

129. Mather, *op. cit.*, p. 48.

یک ساختمان احتیاج دارد. شرکت اضافه می‌کند که وی باید مزایده را تا ۱ ژوئن به ثبت برساند. این مزایده تا ۱۵ روز مفتوح است و برنده مزایده تا ۱۵ ژوئن مشخص می‌شود. در ۷ مه، تولیدکننده مصالح، ایجاب فروش آجرها را به شرکت داد و متعاقب آن، شرکت سازنده در تاریخ ۱ ژوئن، از این ایجاب برای مزایده استفاده کرد. در تاریخ ۱۰ ژوئن، تولیدکننده مصالح اعلام کرد که از ایجاب رجوع کرده است. در تاریخ ۱۵ ژوئن، برنده مزایده مشخص شد. این برنده، شخصی نبود جز شرکت مذکور. متعاقب این پیروزی، شرکت سازنده به تولیدکننده مصالح اطلاع می‌دهد که وی ایجاب را قبول کرده است.^{۱۳۰}

در مثال فوق، منطقی این است که شرکت سازنده با تکیه بر ایجاب به‌عنوان ایجابی غیرقابل‌رجوع عمل کند زیرا تولیدکننده می‌دانست و برایش قابل پیش‌بینی بود که شرکت سازنده، این ایجاب را برای رقابت در مزایده نیاز دارد. مضاف بر این، شرکت سازنده با اتکا بر این ایجاب عمل کرده و مزایده‌ای را که به ایجاد قرارداد برای ساخت ساختمان با قیمت مورد توافق منجر می‌شود، ثبت می‌کند. هر دو شرط مندرج در ماده (۲)۱۶(ب) در این مثال وجود دارد و لذا تلاش تولیدکننده مصالح (موجب) برای رجوع از ایجاب، نافذ و معتبر نیست.^{۱۳۱}

مثال ۲. (الف)، سازنده قطعات رایانه، ایجاب فروش قطعات مشخصی را به (ب) می‌دهد. (ب) نیز سعی در فروش آن قطعات به (ج) می‌کند. (الف) نیز از مذاکرات (ب) و (ج) مطلع است. در زمانی که (ب) منتظر قبولی (ج) است، (الف) از ایجابش رجوع می‌کند.

در مثال ۲، تکیه مخاطب (ب) بر ایجاب (الف) متعارف و منطقی بوده است چرا که (الف) از تلاش‌ها و مذاکرات (ب) برای فروش قطعات به (ج) آگاه بود. مضاف بر اینکه (ب) با اتکای بر ایجاب (الف) ایجاب مجددی به (ج) داده است. با این اوصاف، ایجاب (الف) ملزم است و رجوعش معتبر نیست.^{۱۳۲}

مثال ۳. مشابه مثال ۲، (الف) سازنده قطعات رایانه در انگلستان است. وی ایجاب را به (ب)، یک سازنده سامانه رایانه در آلمان می‌دهد. (الف) از مذاکرات تجاری بین (ب) و (ج) آگاهی ندارد. در مثال ۳، (ب) تاجر آلمانی فرض می‌کند که ایجاب، غیرقابل‌عدول است، البته نه به‌خاطر اینکه اوضاع و احوال خاصی وجود دارد، بلکه به این دلیل که (ب) ایجاب را ملزم تلقی می‌کند. در حقوق آلمان ایجاب، غیرقابل‌رجوع است؛^{۱۳۳} لذا برای (ب) منطقی است که از ایجاب (الف)، برداشت یک ایجاب ملزم را نماید و با اتکای بر آن عمل کند. از آن سو، در حقوق انگلستان،

130. Honnold, *op. cit.*, p. 164.

131. *Ibid.*

132. This example is based on Honnold, *op. cit.*, p. 172.

133. Dannemann, G., Vogenauer, S. (Ed.), *The Common European Law in Context Interactions with English and German Law*, UK: Oxford University Press, 1st Edition, 2013, p. 271; Smits, J. M., *Elgar Encyclopedia of Comparative Law*, Massachusetts, Edward Elgar Publishing, 2nd Edition, 2012, p. 637.

اصل بر قابلیت رجوع از ایجاب است. با وجود این، به نظر می‌رسد که مخاطب نیز باید معیار ارائه‌شده در پاراگراف (ب) ماده (۲) ۱۶ را رعایت کند. به هر تقدیر، اعتماد بر ایجاب به‌عنوان پدیده‌ای غیرقابل‌عدول برای مخاطب، هم می‌تواند معلول اوضاع و احوال خاص باشد (مثال ۲) و هم می‌تواند معلول قانون و رویه تجاری که وجود دارد (مثال ۳). در هر دو موقعیت، ایجاب، ملزم و غیرقابل‌رجوع است مشروط بر اینکه مخاطب با اتکا بر آن عمل کند.^{۱۳۴}

ماده (۲) ۱۶ (ب) کاربردی از اصل حسن‌نیت و معامله منصفانه است. یک طرف قرارداد نمی‌تواند ناهماهنگ با فهم و برداشتی عمل کند که خود وی باعث ایجاد آن در ذهن طرف دیگر شده است و طرف دیگر با اتکا بر آن به‌طور معقول و متعارف عمل کرده است. این قاعده به قاعده منع رفتار ناهماهنگ^{۱۳۵} معروف است (ن.ک: ماده ۱-۸ اصول یونیدروا ۲۰۱۰).

اعمالی که مخاطب ایجاب باید با تکیه بر ایجاب انجام دهد لازم نیست حتماً در راستای اجرای قرارداد باشد بلکه می‌تواند اعم از آن باشد^{۱۳۶} مثل فراهم کردن مقدمات تولید، خرید یا اجاره مصالح یا تجهیزات، متحمل شدن هزینه‌ها و غیره، مشروط بر اینکه:

الف. این اعمال در تجارت مورد نظر، متعارف و معقول تلقی شود؛ یا

ب. برای موجب، قابلیت پیش‌بینی را داشته باشد یا موجب از آن اعمال مطلع باشد.^{۱۳۷}

ایجاد انتظار قرارداد آینده باید قطعی باشد. اگر تنها احتمال چنین رخدادی در آینده قابل

پیش‌بینی باشد و قراردادی بسته نشود، مسئولیتی نیز ایجاد نمی‌شود.^{۱۳۸}

مثال ۴. (الف) که معامله‌کننده اشیای عتیقه است از (ب) می‌خواهد ده عدد تابلوی نقاشی قدیمی را بازسازی کند، مشروط بر اینکه این کار در سه ماه انجام شود. (ب) به (الف) اطلاع می‌دهد که برای اینکه ببیند ایجاب را قبول کند یا خیر، ضروری است کار را بر روی یکی از تابلوها آغاز کند و سپس پاسخ قطعی را ظرف ۵ روز خواهد داد. (الف) می‌پذیرد و (ب) با اتکای بر آن ایجاب، کار را آغاز می‌کند. در این مدت ۵ روزه، ایجاب (الف) ملزم است و (الف) حق رجوع از ایجاب را ندارد.^{۱۳۹}

نتیجه این بخش اینکه در جایی که موجب می‌داند مخاطب با اعتماد بقای ایجاب، اقداماتی انجام می‌دهد یا از اقداماتی ممانعت به عمل می‌آورد، یک تعهد ضمنی بین موجب و مخاطب

134. Malik, *op. cit.*, p. 37; Honnold, *op. cit.*, p. 172.

135. Inconsistent behavior

۱۳۶. اعمالی که مخاطب ایجاب با تکیه بر ایجاب انجام می‌دهد، امر موضوعی (question of fact) است که باید در پرتو اوضاع و احوال حاکم بر قضیه ارزیابی شود.

۱۳۷. ن.ک: اخلاقی و امام؛ همان، ص ۵۳.

۱۳۸. طالب احمدی، حبیب؛ مسئولیت پیش‌قراردادی، میزان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷.

۱۳۹. مثال از اخلاقی و امام؛ همان، ص ۵۳.

شکل می‌گیرد و آن این است که موجب از ایجاب رجوع نکند.^{۱۴۰}

نتیجه

مهم‌ترین نتایج این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. بحث در مورد قدرت الزام ایجاب، یکی از مهم‌ترین مباحث در همه نظام‌های حقوقی است. در نظام‌های حقوقی برخاسته از کامن‌لا مثل انگلستان، ایجاب اصولاً قابل رجوع است، در حالی که در نظام‌های حقوقی برخاسته از حقوق نوشته مثل آلمان و سوئیس، ایجاب غیرقابل رجوع است. برخی نظام‌های حقوقی مثل فرانسه و مقررات یو.سی.سی نیز راه میانه را در پیش گرفته‌اند. ماده ۱۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به وضوح بیانگر این نکته است که تدوین‌کنندگان کنوانسیون، در جهت اهداف کنوانسیون، سعی در ایجاد سازش بین دو رژیم حقوقی کشورهای دو سوی حوزه آتلانتیک شمالی داشته‌اند.
۲. رجوع از ایجاب در کنوانسیون، مختص زمانی است که موجب بعد از وصول ایجاب به مخاطب، ایجابش را مختومه اعلام کند. لذا در کنوانسیون، ایجاب، زمانی نافذ می‌شود که به مخاطب واصل شده باشد و قبل از وصول ایجاب به مخاطب، ایجاب اصولاً قابل برگشت است.
۳. ایجاب نمی‌تواند قبل از اینکه نافذ شود (یعنی قبل از وصول به مخاطب) قبول شود، هر چند مخاطب به مفاد ایجاب، اشراف داشته باشد. وصول در کنوانسیون، تعریف خاص خود را دارد. اطلاع شفاهی مفاد ایجاب یا تحویل ایجاب به شخص مخاطب، محل تجاری، نشانی پستی یا اقامتگاه عادی وی از ارکان وصول ایجاب در کنوانسیون است.
۴. کنوانسیون، بین نظریه قابلیت رجوع از ایجاب و اصل کلی عدم رجوع از ایجاب برای برخی اوضاع و احوال، دیدگاه میانه اتخاذ می‌کند. از این رو کنوانسیون در بیان ماده ۱۶ رویکرد مصالحه‌ای بین مبانی کلاسیک کامن‌لا و مبانی کلاسیک حقوق رومی ژرمنی را پذیرفته است. اصل کلی این است که ایجاب قابل رجوع است، مشروط بر اینکه رجوع قبل از گسیل داشتن قبولی، به مخاطب برسد.
۵. طبق کنوانسیون، در جایی که موجب، موقعیتی را ایجاد کرده که در آن موقعیت مخاطب به بقای ایجاب اعتماد کرده و بر اساس آن اعتماد، اقدامات متعارفی کرده یا از انجام برخی اقدامات خودداری کرده، ایجاب، ملزم تلقی می‌شود. با این اوصاف، مبنای این الزام در اصل حسن نیت و رفتار منصفانه نهفته است.

140. Stone, R., *The Modern Law of Contract*, London: Cavendish Publishing Limited, 6th Edition, 2005, p. 60.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- اخلاقی، بهروز و فرهاد امام؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ سوم (بر اساس نسخه ویرایش شده سال ۲۰۱۰)، شهر دانش، ۱۳۹۳.
- اداره عملیات ارزی و روابط بین‌الملل؛ تفسیری بر UCP600، انتشارات بانک سپه، ۱۳۸۹.
- اشمیتوف، کلایو. ام؛ حقوق تجارت بین‌الملل، جلد ۲، ترجمه: بهروز اخلاقی و همکاران، سمت، ۱۳۷۸.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین. اسباب سقوط تعهدات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۹۲.
- بیانکا. سی. ام و، ام. جی. بونل؛ تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، جلد ۱، ترجمه: مهرباب داراب‌پور، چاپ دوم، گنج دانش، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ دوم، گنج دانش، ۱۳۸۷.
- _____؛ الفارق: دایره‌المعارف عمومی حقوق، جلد ۳، چاپ دوم، گنج دانش، ۱۳۹۱.
- _____؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، چاپ پنجم، گنج دانش، ۱۳۹۱.
- داکسبری، روبرت؛ مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان، ترجمه و توضیحات: حسین میرمحمدصادقی، حقوقدان، ۱۳۷۷.
- راف، آنه؛ قواعد حقوق قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی، ترجمه: سیدمهدی موسوی، میزان، ۱۳۸۶.
- شعاریان، ابراهیم و ابراهیم ترابی؛ حقوق تعهدات: مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، شهر دانش، ۱۳۹۳.
- شیروی، عبدالحسین؛ حقوق تجارت بین‌الملل، سمت، ۱۳۸۹.
- صفایی، حسین و همکاران؛ حقوق بیع بین‌المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده امریکا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم (با تجدیدنظر و اضافات)، ۱۳۹۰.
- طالب احمدی، حبیب؛ مسئولیت پیش‌قراردادی، میزان، ۱۳۹۲.
- قنواتی، جلیل؛ مطالعه تطبیقی ایجاب و قبول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، چاپ پنجم (ویرایش جدید)، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.

- مقاله

- اصغری آقمشهدی، فخرالدین، علی اکبر ایزدی فرد و حسین کاویار؛ «بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

- رساله

- بناءنیاسری، ماشالله؛ جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بین‌المللی: مطالعه‌ای تطبیقی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

(ب) انگلیسی**- Books**

- Beatson, J. (1998). *Anson's Law of Contract*, UK: Oxford University Press, 27th Edition.
- Bernstein, H., Lookofsky, J. M. (2003). *Understanding the CISG in Europe*, Kluwer Law International, 1st Edition.
- Bridge, M. (1997). *Benjamin's Sale of Goods*, London: Sweet & Maxwell, 5th Edition.
- Bridge, M. G. (1999). *The International Sale of Goods: Law and Practice*, Oxford University Press, 1st Edition.
- Dannemann, G., Vogenauer, S. (Ed.). (2013). *The Common European Law in Context Interactions with English and German Law*, UK: Oxford University Press, 1st Edition.
- Davis, A. G. (1963). *The Law Relating to Commercial Letters of Credit*, London: Sir Isaac Pitman & Sons, 3rd Edition.
- Ellinger, E. P. (1970). *Documentary Letters of Credit*, Singapore: University of Singapore Press, 1st Edition.
- Felemegas, J. (Ed.). (2007). *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 1st Edition.
- Furmston, M. P. (1991). *Cheshire, Fifoot and Furmston's Law of Contract*, London: Butterworths, 12th Edition.
- Garner, B. A. (2009). *Black's Law Dictionary*, USA: West Group Pub, 9th Edition.
- Honnold, J. O. (1999). *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International, 3rd Edition.

- Kritzer, A. (1989). *Guide to Practical Applications of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Deventer & Boston: Kluwer Law and Taxation Publishers, 1st Edition.
- Marsh, P.D.V. (1994). *Comparative Contract Law: England, France, Germany*, Gower Pub Co, 1st Edition.
- Schlechtriem, P. (1986). *Uniform Sales Law - The UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Vienna: Manz Pub, 1st Edition.
- Schlechtriem, P. (1998). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, (Translated by: Geoffrey Thomas), Oxford: Clarendon Press, 1st Edition.
- Schlechtriem, P., Schwenger. I. (2005). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, NY: Oxford, 2nd (English) Edition.
- Schlechtriem. P., Butler. P. (2009). *UN Law on International Sales*, Berlin: Springer Pub, 1st Edition.
- Schlesinger, R. B. (1968). *Formation of Contracts: A Study of the Common Core of Legal Systems*, NY: Oceana Publications, 1st Edition.
- Schwenger, I., Fountoulakis, C. (Eds.). (2006). *International Sales Law*, London & NY: Routledge & Cavendish, 1st Edition.
- Smits, J. M. (2012). *Elgar Encyclopedia of Comparative Law*, Massachusetts, Edward Elgar Publishing, 2nd Edition.
- Stone, R. (2005). *The Modern Law of Contract*, London: Cavendish Publishing Limited, 6th Edition.
- Sweigert, K., Kotz, H. (1998). *Introduction to Comparative Law*, Clarendon Press, Oxford, 3rd Edition.
- Treitel, S. G. (2003). *The Law of Contract*, London: Sweet & Maxwell, 11th Edition.

- Articles

- Dtt. (0))))) N Cvvvttt iff f or Cttt ratt s fir aalo of Gssss : Ovrri,,, Rev. Ghana. L., vol. 11.
- Eörii, G. (0)))) PPrill ems ff Uii fyigg www nn tee mmmtrinn ff Cttt ratt s fir the Itt rrntt illll ll e of Goo , *American Journal of Comparative Law*, vol. 27.
- Ill tmmJ. D. (1111). UUN Cvvvttt inn on Cttt rects for Itt rraatinnll ll o of Gddd , *Journal of Business Law*.
- Garro, A. M. (1995). The Gap-Filling Role of the UNIDROIT Principles in International Sales Law: Some Comments on the Interplay between the Principles and the CISG, *Tul. L. Rev*, vol. 69.

- Hilll ll4444). Tee 4444 4 ggee Cvvvttt iss ddd Uii form www nn tee Itt rrntt iaaal ll e ff Goo , *The American Journal of Comparative Law*, vol. 13, No. 3.
- Kozolchyk, B. (1965). hhe Legal Nature of the Irrevocable Commercial Letter of Credit , *The American Journal of Comparative Law*, vol. 14.
- Leete, Burt A. (1))) . CGtt rctt mmmntion dddrr tee Uii tdd Natiss Convention on Contracts for the International Sale of Goods and the Uii form Commrrrii ll C::: Pitfalls firr tee Uwwry,, *Temple International and Comparative Law Journal*, vol. 6.
- Malik, Shahdeen. (1985). Offer: Rvvaable rr Irrvvaall .. Will Art. 66 of the Convention on Contracts for the International Sale Ensure Uii formity , *Indian J. Int'l L.*, vol. 25.
- aa rtin, C. H. (8888). The eeetriii c Cttt rctts Cnnvttt i,, tee CIGG and New Sources of E-Commerce www, *Tulane Journal of International & Comparative Law*, vol. 16, No. 2.
- aa thr, H. (1111). FFirm Offers dddrr tee UCC ddd tee CIGG, *Dick. L. Rev*, vol. 105.
- ee gr,, .. (2222). RRisk Aeett s ff tee Irrvvaall e Dccmmtt rry Criii t,, *Arizona Law Review*, vol. 24, No. 2.
- Murray, oohn E. (1988). An Essay on the Formatinn of Contracts and Related Matters under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods , *Journal of Law and Commerce*, vol. 8.
- Oliaaatt , Hrrm... (99)) . TThe Drr atinn ddd rrr mittt inn of nn Offrr ,, *Michigan Law Review*, vol. 18, No. 3.
- rrr ill,, Jeep.. .. (000). rrrr eed firr a ii lm ddd ll lrr of Clssiell Cttt ratt Luuu uuuuu vU ldttea aaaæ , *Fordham Law Rev*, vol. 71.
- (8888). ee ttortt inn of the Rll e ff Reason in Contract mmmntinn: Hss Thrr e Been Civil add Cmmmn wwwDiaaarity,, *Cornell Int'l L.J.*, vol. 21.
- tttt o,, Keeeeth C. (1))) . FFrr mtt inn ff Cttt rctt: Unity in Itt rrntt iaaal aale ff Gssss ,, *University of Western Ontario Law Review*, vol. 16.
- Wagner, W. .. (2222). oome ll ll ll ll s ff Rvvaation ddd Termittt ion ff Offrr , *Notre Dame Lawyer*, vol. 38, No. 2.
- ii ssii ,, Ptt rr. (3333). mmmntinn of Itt rraatinnal ll ll ss Cntratt s rrrrr tee 0000 0 iaaaa Cnnvttt i,, , *International Lawyer*, vol. 17.